



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مامل ، متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

سال ششم - شماره ۱۵۰۳

صفحه ۱

پیر، نیند فرمائی

۴ شنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۲۹

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۲

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات دوازدهمین جلسه دوره
۱۶ مجلس شورایی
از صفحه ۱ تا ۱۶
آگهی های رسمی

که بمنزله شریان اقتصادی کشور در بعضی جراید دیگر هم يك کلماتی مثل دوئیت بکار برده اند در صورتیکه بنده اصلاً چنین کلمه ای نگفتم و بطور کلی خواستم بگویم که اگر آقایان از خارج خواستند نسبت به نطقهائی که این جا میشود اطلاعاتی بدست بیاورند همین صورت جلسه ها که گاهی غلطهائی که در ادب میگویند باز هم بهترین جائی که نطق ناطقین ایراد میشود در همین صورت جلسه است .

نایب رئیس - این اعتراض بصورت جلسه نبود آقای ارباب .

مهنی ارباب - هر چند تذکر بنده شاید این جا مورد نداشته باشد ولی در روزنامه اطلاعات دیدم که يك نکته ای بنام بنده تذکر داده و آن این است بنده اظهار کرده ام خدا ذلیلش کند این کلمه از دهان بنده بیرون نیامده و چنین اظهاری نکرده ام .

نایب رئیس - همانطور که خودتان فرمودید مربوط بصورت جلسه نبود ، آقای مکرّم .

مکرّم - جزوغاتین بدون اجازه اسم آقای ضمد سود آور برده شد ایشان در موقع تعطیل برای معالجه بخارج رفتند همانطوری که مقام ریاست متذکر شدند البته باید با اجازه قبلی میرفتند ولی ایشان تصور میکردند در مدت تعطیل میتوانند معالجه کرده و برگردند حالا بوسیله بنده تقاضای مرخصی کرده اند استدعا میکنم جزوغاتین بدون اجازه محسوب نشوند

نایب رئیس - بعد از تصویب کمیسیون محاسبات اگر موافقت کرد اصلاح میشود ، آقای آشتیانی زاده .

آشتیانی زاده - بنده میخواستم بهرستان برسانم در جلسه گذشته با اینکه جناب آقای نخست وزیر هم لطف فرمودند و از اکثریت مجلس هم تقاضا کردند که بنده اجازه نطق داده بشود معذک يك صند بی لطفی فرمودند حتی آقای گنجه ای هم فرمودند

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
 - ۲ - طرح برنامه دولت و مذاکره در اطراف آن
 - ۳ - رأی اعتماد به کابینه آقای منصور
 - ۴ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه
- مجلس ساعت نه و سی و پنج دقیقه صبح بریاست آقای دکتر معظمی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مجلس
شده که بنده در ایام عید رفته بودم بخراسان و بنده نرفته بودم سایر آقایان رفته بودند .

نایب رئیس - تصحیح میشود ، آقای آصف .
آصف - آقای سندی رفته اند بمسافرت و از کمیسیون هم تقاضای مرخصی کرده اند استدعا میکنم که غیبت ایشان را موجه محسوب فرمائید .

نایب رئیس - تا مرخصی تصویب نشده است بی اجازه محسوب میشود وقتی تصویب شد تصحیح میشود و بنده میخواستم استدعا کنم که آقایان اول مرخصی را بگیرند (صحیح است) بعد استفاده کنند والا غایب محسوب میشوند . آقای ناظرزاده .

ناظرزاده کرمانی - عرض کنم وقتی این جا نطقهائی ایراد میشود آقایان مخبرین جراید نمیتوانند همه را بنویسند و یادداشت کنند گاهی بعضی اشتباهات در این نطقه ها هست که ممکن است ایجاد سوء تفاهم نماید در عرایض پررئوز در مجلس عرض کردم که کارخانه های قالی بافی کرمان بمنزله شریان اقتصادی آنجا بوده تعطیل شده در بعضی جراید نوشته شده

۱ - تصویب صورت مجلس
نایب رئیس - صورت غائبین قرائت میشود . (شرح ذیل قرائت شد)
غائبین با اجازه آقایان : فرهودی ، مرتضی حکمت ، محمد ذوالفقاری ، سلطانی ، محمد تقی پرومند غائبین بی اجازه آقایان : حسین خاکباز ، صفوی منصف ، فهردان ، ابریشم عکار ، سالار سندی ، حسن اکبر ، معذل ، محسن طاهری ، سود آور ، کوراهلی ، نصرتیان ، محمد حسن افشار .
دیر آمده بی اجازه : آقای تولیت ۳۰ دقیقه
نایب رئیس - آقای نبوی .
نبوی - در صورت جلسه قبلی اظهارات بنده نوشته اند که بنده ایام عید بخراسان رفته ام بنده اینطور عرض نکردم سایر آقایان رفته بودند خراسان چون خالی از حقیقت بود این را عرض کردم .
نایب رئیس - آقای نبوی اعتراضی که فرمودید بنده متوجه نشدم .
نبوی - تکرار میکنم در صورت جلسه ذکر

● بین مذاکرات مشروح دوازدهمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

«لایحه تقدیمی و تهریر صورت مجلس»

لایب رئیس - آقای آشتیانی زاده این راجع بصورت جلسه نیست.

آشتیانی زاده - بعد از صورت جلسه دستور شروع میشود و جریان جلسه گذشته تجدید میشود.

لایب رئیس - الان در این جا جناب عالی در ردیف اول اسم نویسی کرده اید و صرف نظر فرمودید.

آشتیانی زاده - بنده صرف نظر نکردم.

لایب رئیس - حالا نوبت آقای شوشتری است اگر ایشان موافقت کردند ممکن است شما صحبت بفرمائید ولی بعد هم نوبت شما در ردیف مخالف باز است میتوانی ثبت نام بفرمائید.

آشتیانی زاده - الان نوبت بنده است.

لایب رئیس - اگر آقای شوشتری اجازه بفرمایند ممکن است حق تقدم بجناب عالی داده شود ولی بعد از ایشان نوبت بجناب عالی داده خواهد شد.

آشتیانی زاده - نوبت بنده است اگر ایشان موافقت بفرمایند البته بنده صحبت میکنم.

لایب رئیس - دیگر اعتراضی نیست؟ (گفته شد خیر) صورت جلسه تصویب شد اگر آقایان اجازه بفرمایند امروز از نطق قبل از دستور صرف نظر بکنیم (صحیح است) برای اینکه تکلیف دولت زودتر معلوم شود نوبت مخالفت آقای شوشتری است بفرمائید آقای شوشتری.

۴- طرح برنامه و مذاکره در اطراف آن شوشتری - اگر آقا اجازه بفرمائید (اشاره

بقای آشتیانی زاده) باز هم حاضر ولی بعد از بنده شما میرسد و فرمایشاتتان را خواهید فرمود (خنده نمایندگان) اجازه بفرمائید مطالب من مطبوع طبع شما واقع میشود.

آشتیانی زاده - تعارف حضرت عبداللطیفی است.

شوشتری - تعارف حضرت عبداللطیفی نیست، بسم الله الرحمن الرحیم، میخواستم از نمایندگان محترم استعفا کنم برای موافقت و برای اینکه اکثریت موافق با دولت است مرحمت بفرمائید، اجازه بدهید بنده و آقای آشتیانی زاده آن میزانی که لازم است عرایضمان را بکنیم، بنده امروز مریض هستم شاید هم به یکساعت و یکساعت و نیم حرفهای من نرسد و زودتر حرفهای خودم را تمام کنم (عدهای از نمایندگان وقت نیم ساعت است) اجازه بفرمائید میدانم نیم ساعت است دارم استعفا میکنم که اجازه بفرمائید استثنائاً اضافه شود که منعکس نشود در خارج تو من بعضی وقتها بعضی یک یا دو هوا در یک مجلس شورای ملی همان نمایندگان محترم با یک دولت روی موافقت میکنم و سواد میشود صحبت کرد روی مخالفت نیم ساعت این منعکس بحسن اثر در خارج نیست (صحیح است) اگر اجازه بفرمائید اطاعت میکنم اگر هم اجازه نفرمائید بنده مطیع مقررات هستم بنده یادداشتهائی کرده ام با اینکه عادت ندارم یادداشت کنم هر وقت حرف باید بزنم مبتکر حرف میزنم یادها و ابتکار حرف میزنم ولی این جا نظری که چون غایت کرد بایستی هم منظور باشد یک قضیه ای را عرض میکنم یک روزی در دوره پنجم من مخالفت کردم با اضافه حقوقی که برای مسیو یرنی مسایو سید

تومان آورده بودند به مجلس در صورتیکه من موافق دولت بودم و لایحه دولت بود در ستون مخالف ثبت نام کرده بودم در پشت تریبون مرحوم مدرس رضوان الله علیه قدس سره تصور می کردم من تعیین کردم ولی بعد که صحبت کردم تشخص فرمود که خیر اهل تمعیه و دورنگی و دورویی و حقه بازی نبوده آنچه عقیده ام بود مثل این که حالاً هم عقیده ندارم بدست خارج از الان عقیده دارم که ایرانبهارا دستشان را باز بگذارید دارای این اندازه درایت و فکر هستند که خانه خودشان را اداره کنند بلدند آنچه این یک هارت قبضی گفتند بفرمائید آن مردم که تفهیم در خورشان مجلس شورای ملی نبود و نبیاستی این نوع از عبارات در مجلس شورای ملی گفته شود این بود آقای منصور السلطنه عمل که خدا حفظش کند کفیل وزارت دادگستری بود من وقتی آمدم برای مخالفت عرض کردم اظهارات ایشان مردود است این لفت مردود در نظر مرحوم مدرس رضوان الله علیه با این که مخالف دولت بود بنزله فحش و کلمه بی ادبی در مجلس تلقی شد بعد از ختام عرایض من مرا احضار فرمودند آقای سید احمد بهبهانی رحمت الله علیه صندلیش را خالی کرد من نشستم گفت آقای شوشتری تو بیجه ملائی پس ملائی - خودت نزدیک بسوادى لغاتی که در مجلس گفته می شود غیر از لغاتی است که در دادگستری گفته می شود من مخالف دولت هستم امام ادام که دولت است و مادام که در مجلس شورای ملی هستم باید احترام امامزاده را ما خود نگاه داریم این دولت مال ما است نباید اهانت با آنها بشود این لفت مردود لفت قبضی بود خوب بود میگفتی مطالب ایشان مورد پسند من واقع نشد من نه پسندیدم با موازین قضائی نتوانستم تطبیق بکنم چرا این کلمه را گفتی از آن وقت نصیحت آن مرد بزرگ در گوشم فرورفته است و امیدوارم در مخالفتی که با دولت جناب آقای منصور می کنم یک کلمه از ادب خارج نشده و حقایقی را که می دانم بعرض برسانم و امیدوارم نمایندگان محترم اگر عرایض مرا پسندیدند و تشخص فرمودند که برای مصالح مملکت دولت است مورد توجه قرار بدهند بدو باز هم باید به بعضی از آقایان مغربین بگویم که هر قدر مرا پیشکون بگیرند منم قتلگلی میدهم یکی از آنها مینویسد با صدای خشن اگر صدای من به بعضی از گوشها نرسد است صحیح است که من شوشتری هستم اما نباید پشت تریبون دستگاه همایون بخوانم و بعد بیداد و بعد منصورى و شوشتری و ابوالجلی و بختیاری و لیلی و مجنون همه را میدانم خیر صدای من اینطور است من از یک طرف شوشتری هستم از یک طرف گر گانی و اما اینکه فرمودید موش سفید است و رویش سیاه است چه کنم سرد گرم این مملکت رویم را سیاه کرده است و مویم را سفید مثل بعضیا دارای زلف مجعد و ابوی مصعب لب میگون رخ گلگون نیستم باید مصالح مملکت را رعایت کرد حالا وارد مطلب می شوم در مقدمه برنامه جناب آقای منصور دولت آقای منصور عباراتی را فرمودند و در تمام برنامه لغاتی ثبت شده است و عباراتی تنظیم شده است که عقیده من از نظر صورت زبیا است

و از نظر منی بی معنی نتیجه ای که باید بسرای مملکت آنا گرفته شود از این برنامه گرفته نشود من خیلی مطالب دارم بن من نصیحت کردند تشنج ایجاد نکن خدا مرا پرو بآتش بیاندازد که بشوایم یک رقمه برای این مملکت تشنج ایجاد بشود بدات پروردگار همه وقت آرامش و آسایش این مملکت را در نظر گرفتم نصیحت و امر آقایان را قبول میکنم از گفته های اساسی که قطع و حتم دارم پشت این تریبون بگوش دنیا خواهم رسانید عجالتاً صرف نظر میکنم که دولت حاضر واقع شود در اموری که این امور برای پیشرفت منظور خدمتگذارشان سدی ایجاد کند، دو قرن است مملکت ما دارای تشنجی است این تشنج طبیعی نیست مصنوعی است اما چه جور و بچه کیفیت می آید تشنجات در قلوب مردم ایجاد و افعالی میکنند و افعالی از آنها ناشی میشود در صورتی که خود نمیدانند چه کرده اند و چرا کرده اند و چرا میکنند الهام از غیب گرفته با الهام از خود گرفته با الهام از آنان گرفته محرك خارجی داشته، محرك داخلی داشته نیست آقای اورنگ میگوید مرحوم ادیب پیشاوری رضوان الله علیه این شعرهایی که من میگویم مترسم یک روزی برگردد این معنی بخودم که اینهم تحریک خارجی بوده مثلاً من نظرم این است که در قتل مازور ایبری که در آن پرونده جناب تیمسار سید یزدان پناه اینجانشته اند سیدی که کشته شد جزء آن قتل بود که با لیوان شکسته یازده ضربت زده بود بان مهمان خارجی بر- خلاف اینکه ایرانی مهمان دوست است ایرانی خارجیا را با نظر تساوی نگاه میکنند که بهیچ مذهب پرستی و بهیچ دینت رسمی اگر هم مسلمان باشی چه چکس اسائه نشود این حالا نیست بعد از اسلام است قبل از اسلام هم همینطور بوده از کلیماها باید پرسید که حفظ آنها را زیر لوای شیرو خورشید چه شده این ملت ایران مهمان نواز است آدمکش نیست دیگری کشت مازور ایبری را من خودم شوال کردم از آن سید آقا چرا همجو کردی سید جان بجه مناسبت اینکار را کردی گفت قاتل چند را کتشم گفتم وه جد تو هزارو سیصد و چند سال قبل در کربلا کشته شده، شمر کشته جد ترا چه ربطی دارد به مازور ایبری گفت نه مازور ایبری کشته دیدم عجب تبلیغ مرمری است، عجب دوست عجیبی است در کار، سقا خانه را درست میکنند خدا لعنت کند آن کسی را که معتقد است سقاخانه معجز میکند، معجزه چه چیز است، اسلام هاری از این حرفهای واهی و خرافات است اعجاز نبی میکند در زمانی برای مردمی که اتیان بشل او را دیگران نتوانند کردن، سقاخانه معجز کرده یعنی چه آنوقت قتل یک نفر نماینده یک کپانی که آمده در مملکت درخواست نقت بکنند او کشته بشود موضوع تمام بشود بعد هم معجزه تمام شد سقاخانه تمام شد الگو میشد تمام شده مان سیاست مرمری ملون دویست ساله وضعیت راطوری کرد که من بیابم اینجا باستم بگویم ای جناب علی منصور، ای علی هیئت، ای مرضی یزدان پناه آقایان وزراء والله تالله باید هر ملت و

ملولی راهر دو راستی ملت را که درک کردید ملول میروند از بین سهل است و متنوع سیاست اداره کردن مملکت ایران سهل است و متنوع سهل است اگر چه بکنند اراده داشته باشند ملت داشته باشند توکل داشته باشد - اذا هزمت فتوکل علی الله، توکل داشته باشیم بعد عمل و اجرا بکنیم، اگر این چهار رکن را در دست گرفتیم در سیاست پیش میرویم اگر این چهار رکن را پایه و مایه و سرمایه و فکر اساسی خود قرار دادیم امروز عرض کردم بطور اشاره میگویم جناب آقای منصور این اوضاعی که در مملکت پیش آمده یا از قدرت و توانائی شما ساخته است که در پ سفارتخانه ها را ببینید بروی مردم غیر مسئول که وارد نشوند در آنجا من حق ندارم بروم چه وضعیت تشنج فکری ۰۰۰ و الله ایرانی آدمکش نیست من متعصب در مذهب اما کلیبی که در کاشان بعنوان بهائیت یا هر چه کشته میشود باید ملت را پیدا کرد کاشی را که همه خوب میشناختند خوب این مرد که ۲۰ سال آنجا بود اگر خوب بود همین بود اگر بد بود همین بود باید ریشه اش را پیدا کرد که چه شده در این مملکت اقلیت و اکثریت پیدا میشود کدام اقلیت میتواند این مملکت خیانت کند (زنک نایب رئیس)

نایب رئیس - خواستم بگویم اقلیت در ایران در کمال آسایش است و حقوق محفوظ است (صحیح است)

شوشتری - صحیح است هیچ حرفی نیست باید همه ببینیم علت اینکه در خارج منعکس میکنند که آن اقلیت است و آن اکثریت اینها را باید پیدا بکنیم بنده در ناصیه دولت حاضر ۰۰۰ البته جناب آقای منصور را مردمی عاقل، مردمی فهیم، مردی توانا و مردی قدر زور کار میدانند اما با اینکه فرضیات آقایان از عقل و متانت این آقایان دور است و از اندیشه و فکر که قانون درست نمیشود یک حمله لازم دارد، سه شب فکر دارد، سه شب توجه بدهد دارد، سه شب از خود گذشتگی دارد آقا میتوانی از خود بگذری میتوانی بدینا اعلام کنی که ما یک ملت آزادی هستیم روی طلا داریم راه میرویم فقر و بیچارگری و بدبختی مملکت برای اینکه استثمار و استعمار طامع دیگران نخواهد بگذارد که ما از این نعمای الهی و این اندوخته های زیر زمین و روی زمین بهره مند شویم و این صورت در آمدیم، سه چهار شب قبل رفتم در مغازه پارسی خدایا من خیلی میروم آنجا، هر کس در ایران است باهاش رفیق میروم آنجا، سه نفر آدم آمدند آن تو پول مطالبه کردند برای شام شب در عباراتشان احساس کردم خراسانند از آنها پرسیدم اهل کجا هستید گفت اهل کاشمرم آقای همدان تریبی گفت اهل کاشمرم گفتند ما شامهات با این جوانی و با این رهنائی چرا آمده ای گدائی میکنی چرا دست درپوش کسی دراز میکنی گفت آقا یک عده ای آمدند آنجا بما گفتند یا شوید بروید تهران روزی ۴۰ ریال بهتان حقوق میدهند ما آمده ایم این جا حالا گرسنه ایم آیا کاشمر خراسان که باین صورت در آمده آذربایجان

هزیز، این ملت زنجان، کردستان، جنوب ایران تمام ارکان ایران که باین فقر و مسکنت و بدبختی در آمده آقا این طبیعتی است بذات پروردگار این طبیعتی نیست نمیتوان صحبت کنیم نه نه، باید بگویم هر که میگویم هر چه میگویم برای رضای خدا میگویم، برای این که ملت ایران این را بخواهند بگویم، جناب آقای منصور سخن خود را کردی، موی من هم سفید شده است باید فدا کاری کنیم بیایید بدینا اعلام کنیم ما بدبختیم، مایل پیروزی بودیم نباید اینطور سرمایه بیاورید چرا باید بیایورید این حرفها چه چیز است اگر مردمی انداختیم به بخشید آقای سید جلال الدین تهرانی به بخشید اگر رمل مبادی است می گفت این تحریکات از شکل نصرت الداخل است با نصرت الخارج در هماهنگی است با ذرات رمل در شکل لعیان است با شکل انکس اما برای اینکه دولت ایران را ۰۰۰ شخص پادشاه دوم رتبه شرفیاب شدم او را پادشاه جوانی دیدم که میخواهد بشمام معنی باین مملکت خدمت کند با سفارت میروم (صحیح است) دنبائی از او استقبال می کنند بر میگردند بنمکن میکنند با حلاوت حلو اسل و نقل و نبات گفتن دهن شیرین شده است می وعده می وعده می دروغ، می دروغ چرا؟ هر که آنجا که دروغ نمیگوید آنها که همان نوازی میکنند دروغ گو نیستند باید به بیستم این از کجا است و این وضعیت از کجا آب میخورد هسته مرکزی این سعادت ها کجا است آنجا را باید پیدا کنیم این کلیات عرایض من است. اما جناب آقای منصور در تمام اموری که بعد از شهریور واقع شده است شما وارث همه آن امور نیستید نه اما وارث تیمی هستید وارث علی الاصول نیستید وارث علی الاصول دولت گذشته ایست وارث تیمی دولت های گذشته هستید برای اینکه بنده هیچوقت دولت نبودم که وارث تیمی باشم وزیرم نبود شماها که بوده اید وارث تیمی هستید وارث علی الاصول دولت گذشته هستید بنده مقداری اینجا یادداشت دارم، مرحوم رها شاه در زمان خودش بودجه ای داشت کارهایی توی این مملکت شده است، خط آهن، کارخانه ها، آب و تمام آن اصلاحاتی که هر مخالف و معاندی یک ذره اش را نمیتواند انکار کند هیچ آقا مقایسه میکنیم بودجه آن روز مملکت را با بودجه امروز مملکت، چه چوراز آن بودجه استفاده میشد با اینکه همه ناراضی بودند راست هم میگفتند و البته مأمورین املاک و البته مأمورین ولایات نسبت بپردم تعدی می کردند و این تعدی هم با از نقطه همان دست مرمری بود که دیدند این شاهی که سیصد سال مثل او برای مملکت نیامده انداختند در اطرافیان فکری و یک وضعیتی که برای آن خدمت شهریور را درست کردند و البته در ضمیر و در ماهیت و در عمل و در فکر آن پادشاه همه اش خدمت بود چه طور شد که تمام این خدمات را منعکس کردند چه طور شد آن بودجه بود حالا هم بودجه است بودجه چند است شنیدم ۱۲۰۰ میلیون تومان بودجه تهیه شده است باز هم برای این بیکارهایی که ۰۰۰ به بخشید کارمندان دولت من هیچوقت حمله بصحیح العمل نمیتکنم خدا لعنت کند آن تصویر نامه را که آمد خراب کرد تمام قضات عالی رتبه، تمام مأمورین حسابی، تمام خدمتگذاران واقعی همه مابوس رفتند، از بازار بگدسته که زرع می کردند آوردند پایه ۸ و ۱۰ و ۹

جناب آقای منصور بنده خودم بعد از سالیان در راه همین جناب آقای حاج آقا رضای رفیع یکی از پیشنهاد دهندگان بود آمدند برای تأمین حقوق من گفتند خدمات من را در آستانه قبول قبول کنند مجلس قبول کرد وزیر دارائی وقت مشرف الدوله قبول کردند وقت پادشاه دادن يك مأمور آخر يك بجهای که يك وقتی در حکومت مرحوم امیر طهماسبی سلیمان آغای خسروی که در وزارت کشور است در آنجا بود سیرده بود که این را هم يك کار بدیدید و وزارت کشور ماهی ۱۲ تومان، بعد از خودم ۰۰۰ تومان رشوه خواستند چون ندارم مرا رتبه ۷ تشخیص دادند (بهادری - حالا که رتبه ۹ هستید) نه حالا هم رتبه ۹ نیستم از پایه صرف نظر کردم اصلا رتبه ندارم بله اما ما به دارم اگر پایه ندارم توجه فرمودید خوب آن تصویر نامه آمد، پس کارمندان دولت آنان که صحیح الملند، آنانکه باید تشویق بشوند، آنانکه باید اعتماد بنفس خود داشته باشند که هر وزیر دلخواه، هر لاطائل گوهر، مرضی نیاید او را از پشت میز بردارد و بگوید برو با آنها کار ندارم آیا این بودجه ۱۲۰۰ میلیون تومان صرف اغراض و امیال يك عده ای نمیشود که بیایند بودجه را آقا فلانجا بودجه کار، فلانجا بودجه بهادری، فلانجا بودجه کجا، بیایند بسازند حسن و حسین وزیر بسبیل مأمور چرب شود، رشوه باز داده شود این را از کجا باید داد اینکار را کی باید اصلاح کند آقا این معانی هست می آیند يك عده ناراضی می شود از دواثر غله دواثر غله هر کجا توانستند، هر قدر توانستند مگر اینکه از قدرتشان خارج بود مردم و مالکین وزارت عین و دهاتین تمام را صدمه زدن رشوه گرفتند از حیث انداختند اما با تمام این معایب ادارات غلات باید منحل شود نه خرید غلات (صحیح است) خرید غلات اگر منحل شود الان در گرگان شاید قریب صد هزار هکتار زیر زرع است و عملی که شده است یعنی باید برود، مثل همان مردی که گوش را توی میدان سبزه میدان مختار السلطنه کوید، احمد آذری بردش آنجا خوب بست آقا برود بدهند گندمهایشان را با آنها معامله کنند هیچ کس که بگوید کچه وضعیتی برای مملکت درست میشود مملکت داری غیر از هوچیکری است مردم باید تأمین بشوند البته مالکین میروند میکارند امیدشان این است که صد هزار تن دویست هزار تن دولت از آنها مایه میخرد آنها هم میروند کشت میکنند آنجا هم مغل این جاش مغل آنوقت این اعضاء ادارات را از ریش بلند کن بسبیل بچسبان، بزلف بچسبان، پس کردن، زلف پشت گوش اینها را که بیرون نینکند وضعیت آشفته و درهم ریخته سطح کشت میباید با این يك صورتی میشود که بعد نمیدانم در این مملکت چه میشود روزی مرا خواستند آقای فریدونی که در وزارت کشور حاضر است در کابینه آقای قوام بود بنده در وزارت کشور خواستند که آقا بیایید در يك کمیسیون اظهار نظر بکنید رفتم آنجا دیدم آقای اهراز نیک، آقای شهر دار تهران و همه مدیر کلها همه نشستند اظهار داشتند جناب اشرف آقای قوام فرمودند که نان

را از ۹ ریال بکنیم هفت ریال و هفتاد و پنج دینار ما شمارا خواستیم چون شما در این سابقه ای دارید اظهار نظر بکنید فکر کردم گفتم این برخلاف مصالح مملکت است این متناسب با اوضاع حاضر نیست پرسیدند چرا جواب دادم آقا مگر تهران را در بر فرود وجود آورده اند که دیگران را در خشت خام این چ بعضی است تهران نانش را ارزان بکنند آنوقت از تمام اطراف میریزند تهران نان ارزان است. می تمام دقایق مآیند اینجا همه جا خالی میشود بیلاوه یک عیبی هم دارد که شما توجه نیستید بگفتند عیب چیست؟ گفتم الان یک کسی است در اداره غنچهوان در تهران من همیشه میگویم. معرمانه باو گفتند تو عملی یکن که سهمیه ای که خباز میگردد از اداره سیلو روز بروز پائین بیاید برای اینکه موجودی سیلو زیاد بشود و آزادیزی زیاد بشود و همین هم عملی میشد و رسیده بود پروزی ۹۰ تن گفتم آقا آنهایی که آمده اند آزاد یزی میکنند الان گندم در بازار آزاد ۱۳۵ تومان است و دولت میدهد ۹۲ تومان.

نایب رئیس - وقت شما که نزدیک بانام است **شوشتری** - بنده مطیع اطاعت میکنم اما عرض کردم که یکی از آقایان پیشنهاد بکنند نیم ساعت بنده بیشتر حرف بزنم بنده خودم پیشنهاد میکنم آقایان اجازه بدهید که نیم ساعت بیشتر بشود

نایب رئیس - استفاده بفرمایند.

شوشتری - گفتم آقا اینها همه سهمیه دولتی دارند هم سهمیه آزادیزی شما ۹۲ تومان از اینها پول میکیری ۱۳۵ تومان بازار آزاد است چندان برایشان صرف ندارد که گندم وارد دولت را بگیرند آنوقت وقتی این کار را کردید گفتم آرد رام میخوایم ۷۱ تومان بکنیم گفتم درست نصف میشود همه شایدم دولت را معطله کردند آنوقت شروع میشود، بخالی شدن سیلو آنها با عرض من موافقت نکردند من هم رفتم عمل کردند شروع شد فردای آنروز بایس فردا شماره اش هست او را بلند کردند شخص دیگری را گذاشتند در اداره نان بختنامه ای نوشت به برزن گرانفروشی آنوقت نان یک من ۹ ریال ۵۰ کیلو ۹ ریال بود نوشت اگر سه کیلو را ۹ ریال فروخت تعقیب بکنید و بهانه اش این بود که در هر تنور سنگکی چهار نان دو آتش فروخته میشود ۱۲ نان آزاد ۰۰۰ (زنک رئیس)

نایب رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد) مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - چون بیانات آقای شوشتری در اطراف برنامه خاتمه نیافته است پیشنهاد می کنم مدت نطق ایشان یک ساعت تمدید شود. **عبدالصاحب صفائی** (صحیح است)

نایب رئیس - نیمساعت آقای شوشتری صحت کرده اند تقاضای نیمساعت اضافه شده آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد، بفرماید آقای شوشتری

شوشتری - بسیار متشکرم، شروع شد باین

عمل نان را بردند بالا به ۱۵ شاهی ضرر زدن بدولت ۹۱ تومان را در ۷۲ تومان در هر خرواری ۱۹۰ ریال از بودجه بیت المال مسلمین برداشته شدن نان هم در خرواری ۷۵ تومان اضافه شد بیلاوه هیچکس در تهران نان یک من ۱۲ ریال و ۱۴ ریال ندید رسید بانجامی که سیوا خالی شد و ناچار شدیم از کانادا از دولت شوروی و از عراق گندم بگیریم برای اینکه عرض این موسفید غلام این ملک ترا گوش نکردند که به بینند چه می گویم. جناب آقای منصور دیگر این عمل القاه غله احتلال غلات. ادارات غلات اگر محتما باید صورت بگیرد و از دست مأمورین ناپاک و مضر بعال رعایا فارغ شویم اما نباید خرید گندم را جلوگیری کرد باید وزارت دارائی همانطوریکه تریاک میفرد در وقت محصول و باسلف بالکن وورایا پول میدهد که سطح کشت بائین نباید در مورد گندم هم باید عمل کند این عرض من عرضی نیست که جنبه منفعت شخصی داشته باشد نباید این کار صورت بگیرد این را خواندم در روزنامهها راجع بدخانبات هم همین فکر شده همین هم غلط است اگر دواثر را باید اصلاح کرد نباید گذاشت رعایا ما یوس شوند همین چهار بوته توتون و تنباکو را که میکارند این را هم دیگر نکارند این چه جور فکر مرموزی است که در تمام شئون ادارات این طور افکار غیر عملی و اینطور افکار عجیب مسموم کننده. فنا کننده ولو میشود، اما یک موضوع دیگر بانک صنعتی جناب آقای منصور بانک صنعتی منحل شد من آنچه را که اطلاع دارم بانک صنعتی هیئت مدیره ای داشت مرکب از سه نفر یک نفر هم مدیر عامل بود اینها چهار تومیل داشتند حالا بانک صنعتی ۱۵ شرکت است هر شرکتی مثل پنبه، قند، نوغان، ذغال هر شرکتی ۶ مدیر عامل یعنی چهار اتومبیل شد ۱۶۰ اتومبیل آیا موارد اصلاح و تصفیه این است من بریروز اینجا حمله کردم به شرکت تلفن اینجا با آقای وزیر پست و تلگراف هم عرض کردم دیروز یک عده ای از آن شرکاه آمدند بپهلوی من گفتند آقا صحیح این است که ما تخلف کردیم مردم هم ناراضی هستند دولت هم ناراضی است اما ما هم اهل این مملکت هستیم یعنی ما باید همه فحشها و زورها همه را گوش بکنیم. تصدیق بکنیم اما حرف حسابی هم که میزنیم کسی نباید گوش کند گفتم آقا مردم همه بسدا در آمده اند حرف حسابی نان چیست گفتم حرف حسابی ما سه چهار کله است بشما میگویم گفتم بگوئید گفتم آقا ما آمدیم هشت میلیون تومان از مردم پول گرفتیم چهار میلیون هم سهم فروختیم شانزده جلیین هم بانک ملی با وام داد بیاید مجلس شورای ملی هیئت دولت داد گستری، دادستان مملکت بیاید بنشیند از ۲۸ میلیون تومان یک قران یک شاهی بشکم کسی فرو رفته مطالبه کند. ما رفتم لوازم خریدیم. لوازم را از انگلستان خریدیم این فاکتور هایش است آوردیم در خرمن شهر مساعادت نمیکند که حمل کنیم تمام این لوازم دارد در آنجا فاسد میشود مآئیم فلان کار را بکنیم فلانکس رشوه میخواید

مآئیم فلان کار را بکنیم دیگری رشوه میخواید گفتم تا آخر سال پنجاهار شماره حتما تمام میشود و تا فروردین یا اردیبهشت سنه ۳۱ تمام ۲۲ هزار شماره در صورتیکه شانزده هزار درخواست بیشتر پیش ما بنامه آنوقت درست میشود (بگفتند نمایندگان دروغ میگویند) بدولت تذکر بدهید که رفع اشکال ما را بکنند که مردم هم راحت بشوند گفتم این حرفی است دولت از هر کسی شرکت تلفن میخواید باشد شرکت جیم میخواید باشد شرکت جیم میخواید باشد همه علی السوی است دولت باید به حرف حسابی آنها گوش بکند و با این اظهاراتی که آنها میکنند اگر ما اطفال میکند و اگر تخلف کرده اند بدون فوت وقت آقای آقا سید جلال طهرانی باید امتیاز ملغی بشود اگر تخلف نکرده اند باید رسیدگی کنید به بیند حرف حسابی آنها چیست آخر این چه دست مرموزیست از هر که بخوای صدرا در میاید این مینالد آن مینالد درست آکل و ما کول توی مملکت پاشیده اند، مثلا میگویند بازار پول توش نیست من نظرم هست تاریخش را یادداشت کردم دولت در سال ۲۷ لایحه ای به مجلس آورد که اسکناس رایج کم است برای اجرای برنامه هفت ساله ما باید طبع و نشر اسکناس بیشتری بکنیم البته بمخالفت برخورد آنچه که تشخیص کردم چون من نه عالم اقتصادی نه اهل حساب این چیزها سرم نمیشود من همین چیزهایی را که بلدم هیچ دایره معلومات را از آن چیزی که هست تجاوز نمیدم و هیچ دعوی معلومات اقتصادی هم ندارم آنچه که اطلاع یافته ام ۸۰۰ میلیون اسکناس طبع و حاضر شده این در سال ۲۷ بطوریکه اظهار کرده اند تقریباً ۷۲۰ میلیون در دست مردم بوده ۸۰ میلیون در بانک بود ۷۲۰ میلیون در دست مردم البته ده یک میشود و حالاشدیده میشود که ۲۵٪ از کل یعنی آنوقت ۸۰ میلیون آنجا بود الان ۲۰۰ میلیون از این اسکناس جمع آوری شده در بانک و اعتبارات تجار هم بسته شده این عمل یک وقت روی اصول بانکی و تجاری است من اینها را نمیدانم ولی برچین این اسکناسها از دست مردم و گرفتن اعتبارات از دست این تجار بقدمین وقت بیشتری لازم دارد که در آن وقت بفهمیم آیا اینهم بستگی بهمان تحریکات و مرموزات دارد یا راستی راستی یک صورت دیگر است چون ایشان من باید بفهمم چون من عادت دارم تا چیزی بر ایم معق نشود از نقطه نظر قضائی که قضیت و حکمت محال است تصدیق کنم میشنوم باین کیفیت است این را باید بدولت جناب آقای ساعد (نمایندگان - دولت آقای منصور) به بخشید خیلی معذرت میخوایم جناب آقای علی منصور افتخارشان این است که باید با دشمنان ملی باشد به بخشید معذرت میخوایم این را باید تحقیق بفرمائید یک موضوع دیگر جناب آقای نخست وزیر من نمیتوانم بدولت را موافق بدم ولی کجودهم نمیدم منتع خواهم بود برای یک مدتی که حرفهایم را بزنم مدتی است که تبلیغاتی شروع شده است در آمریکا و بعضی جا های دیگر بر علیه مملکت ما، مملکتی که پادشاه مارا با آن آبرومندی پذیرائی میکند این تبلیغات شومی که در آنجا میشود ساده از آن ملت

تشخیص نمیکند اجنبی پیش من اجنبی است بطور مقابل ملت ایران باید با همه عمل کند شوروی و آمریکا وانگلیس و آرژانتین و برادران اسلامی همه علی السوی همه را بیک چشم نگاه میکنیم هر کسی بی نظر بدوخت باید نظر معادلات و بدوزیم و هر کسی نسبت با خدمتگزاری کرد متقابلا ما اینجا نشسته ایم که تعلق بگوئیم می بگویند وام می بچسبند شورویا ملی بد بگویند بقصدسات مافضش بدهند دیشب توی روزنامه خواندم نوشته است که آقای آقا سید ابوالقاسم کاشانی لیدر مذهبی، این مسئله را به بیند چه جور سیاست میکنند آقای سید ابوالقاسم کاشی میچند است آقای حاج آقا حسین بروجرودی هم میچند است آقای سید محمد بهبهانی هم میچند است آروز هم گفتم دین اسلام بسط الحقیقه است ما این جور اختلافات نداریم که لیدر مذهبی داشته باشیم همه محترمند همه آقا و آن هفت هزار رأی هم که چی بود سوزانند اینرا اهل قلم میدانند چه جور سیاستی غلطی است اینها را باید رسیدگی بکنند وزارت امور خارجه داریم بنده امسال رفتم فارس این آقای دکتر نخعی هم آمده بود ماشین ایشان هم شکسته بود رفتم فارس وقتی رفتم فارس مخصوصاً رفتم نقش رستم چرا آنجا رفتم تخت جمشید را دیدم تخت جمشید آثار عظمت چند نقر از سلاطین ایران است ولی نقش رستم در آنجا است که میرساند ایرانی از ۲۸۰۰ سال قبل میگفته است لا اله الا الله در آنجا است که مسجد پیدا است بروید مشابعت آن مسجد را با مسجد دیگر پیدا کنید رفتم آنجا دیدم آنجا آن دخمه های هخامنشها بعد از ۷۰۰ سال آن چیزهای ساسانیها، نقشهای ساسانیها و الرین زیر پای پادشاه افتاده است این گدار هم بود خانمش هم بود مدتی گریه کردم، مملکتان، عظمت مملکتان جلال مملکتی که الان اسلام، اسلام، اسلام، علم، اسلام مرهون ایرانها است تمام این کتب صرف و نحو برگردید به بیند مؤلفین اینها کجا بودند آن ایران و آن عظمت تبع کتیب ببیند کجا بودند آن ایرانی و آن عظمت که آمدن صفهان عظمت خدا پرستی را دیدم امروز طوری شده که ما را با لعان مختلف با قلام مختلف بصور مختلف در ممالک دنیا بی آبرو قلم بدهند ما را بی علم قلم بدهند بی دانش قلم بدهند ما سرچشمه علم دنیا ایم سرچشمه ادب دنیا ایم، سرچشمه فهیم دنیا ایم والله العظیم نفس خود را فدا میکنم تمام مطالبی را که گفتم آقای علی منصور برواگر دست باز شد کار کردی، موضوع نفت یک موضوع کوچکی نیست مگر وطن پرستی مونول، استغفرالله کلمه خارجی نیگویم آقای سید جلال الدین تهرانی بشما احترام دارم باید هر چه بد از این حرف میزنید فارسی حرف بزنید بزبان سندی حرف بزنید اولاً وطن پرستی انحصاری نیست مگر آقای می تواند وطن پرست و وطن خواه باشد اولاً وطن پرست منی ندارد وطن خواه باید مثل مشوق مثل پدر وطنش را دوست بداد پرستش مال پروردگار است و بس مگر انحصاری است خدمتگزاری به مملکت را فلان آقا میتواند بکند من نمی توانم بکنم شما نمی توانید بکنید همه می-

توانند این چه نفاق و دوپیتی است بیخشید دولت فلفط است ولی مصطلح غلطاً اگر مشهور شد برای فهم مردم آقای ناظر زاده که اعتراض کردید بپذیرین جراید غلط است اشکالی ندارد معمولاً در عین حرف زدن بعرفهای دیگران هم متوجه هستیم (ناظر زاده - پس مونول هم که فرمودید) دیدید مندر خواستم گفتم زبان سندی باید حرف بزنیم کوضعیت ما باین صورتی در آمده است که دنیا ناظرش شده است ما بوضعتی دچار شده ایم که هر وقت مآئیم دست بزنیم مایه های اساسی و اندوخته های تحت الارضی و روی زمین دچار یک تشنجی غیر مرئی و یک دست مرموز می شویم گاهی سقاخانه درست میشود گاهی آدم کشی درست میشود گاهی واشیضا میشود گاهی واطبیعتا میشود گاهی حمله باین گاهی حمله بآن و باین صورتی میشود که همه مانده اند این مطالبی را که بنده عرض میکنم نه از نظر مخالفت با دولت است من بهمه آقایان ارادت دارم خصوصیت دارم با هر کس هم که آشنا شدم خدا شاهد است مگر اینکه یک امر برخلاف مصالح مملکت انجام شده باشد این از شان روزنامه نگار نیست تا تحقیق قضائی پیدا نکرده است که کسی از وظائف اداری و وظائف ملی منحرف نشده کسی حق ندارد بگوید این رجال فاسد ما فسادش در کدام محکمه ثابت شده متشاه است از کجا سر میزنند من بهمه ارادت دارم مادر عین ارادت جناب آقای منصور من نمی توانم نگویم مملکت ما محتاج باصلاحات است این مردم چشم باین کعبه آمال دوخته اند این مردم این جا را مرکز قدس و مرآت شهود میدانند آیا چرا نباید کف نفس بکنیم یک جنبش ملی یک اراده، یک همت یک توکل یک اجرا.

اذا عزمت فتول علی الله اگر خدمتگزاری به مملکت کردند از نقطه نظر دیانت اسلام نیگویم در تمام ادیان سماوی و آثار طبیعی و علم موجود این اصل ثابت است و دعانقرین مخمر برهولای وجود است اگر کسی عمل خوب کرد آن عمل خوبی همرا، با او است و اگر بد کرد همان بد نفرین باوست من استقبال های عجیب تهران را دیده ام بدرقه هایش را دیدم بدرقه ها را هم بنظرم ببین خواهید ملاحظه فرمود یرت هم نیگویم مویم در سیاست سفید شده است یک موضوع را میگویم من انتخاب شده ام از حوزه مادریم شهرستان گرگان و آنجا فامیل من اند این مردم بمن یک اعتقادی دارند آقای علی منصور بعلی بن ابیطالب و رسول اکرم چهار صد و پنجاه تومان عبدالله سرخوش بمن سهم امام داد در آنجا و پول اتومبیل را امیرهایون بوشهری داد من دیگران رفتم و آمدم مقابل چهار صد هزار تومان پول من موفق شدم مردم آنجا منتظرند برای حوزه و کالت من مثل گذشته نباشد چندی قبل در جراید شهرت گرفت جنگلهای گرگان آتش گرفت من آنجا بودم قشون بیچاره متزلزل شد سرتیب بشری بیچاره دست بمن قرض می دهد ماشین می گیریم میرویم آنجا بعد می بینیم آقا تشریف آورده اند تهران عجب رفتیم عجب نتیجه گرفتیم عجب بمملکت خدمت کردیم گفتم آقا باید برویم آنجا بشاهنشاه عرض کردم فرمودند راضی باید اینطور بشود شهر باید اینطور

تشریف دارند در پاییز که می شود رعایا می آیند بر کهای این درختان را آتش بزنند و زمین را حاضر می کنند برای ذرات علی الاصول گاهی هم یک نسیمی میوزد دوباره تا درخت هم ممکن است سر شاخه اش بسوزد رفتم دیدم می بدو روزنامه کجها روزنامه اطلاعات سرو صداه انداخته اند بعد معلوم شد پروانه جنگلی گرفته اند برخلاف اصول ۳۵۰۰ متر زمین (نقیه زاده: اسما را بگوئید) چون مربوط بشخص من می شود نیگویم باید تحقیق کنم آنچه میگویم. آقای سید محمد ناماخوی بازرگ آمده آنجا یکمقداری الواروخته فاجح آنجا بوده سرو صداه انداخته اند که او را کیچش کنند و بعد هم بگویند جنگل گرگان سوخت گفتم اگر جنگل گرگان سوخت گفتم اگر سوخت یک گرگانی بدولت با علیه حضرت هایبونی بمجلس شورای ملی شکایت کرد که جنگل ما سوخته سرتاسر دروغ در روزنامهها منکس کردند درو درو که جنگل سوخت برای اینکه دواثر آنجا ادارات آنجا الان ۰۰۰ یک ریضه ای یک کسی آورده برو که من بدهم با آقای هیئت من ندیدم همینطور آوردم دادم با آقای هیئت ۰۰۰ یک صورتی دارم آن قطعه آن خطه آن وضعیت بهناور دشت، آقای محمد جرجانی هم کار محترم من که افتخار می کنم یک همکاری دارم خدمت گزار این مملکت مثل محمد جرجانی، که خودش می داند منم می دانم در حوزه انتخابی چندم خدمت کردم سطح مسطعی که قریب ۹۰۰ هزار کیلومتر مساحت افتاده آنجا همه قابل زرع چه جور زرع، بنبه اش از مصر بهتر میشود گندمش بآن وضعیت است هیچوقت نشد در یک سال این سلمان اسدی و شر کاه شریدن از من خواستند آمدم رفتم و در گرگان ۲۹ هزار تن غله برای آنها معامله کردم آنوقت این وضعیت میشود الان در گرگان هم بیشتر آنهایی که می داند خدا شاهد است منویات شاهنشاه و دولت ایران را تأمین کننده هر چه مآئیم بهر کس می گوئیم آقایان لایزالیم ۹۰۰ میلیون ۶۰۰ میلیون تومان بصرف گرگان برسانید ما بدهد ما مانه آن جور وام هزار تومان بدهد ۳۰۰ تومان رشوه صد تومان هم کسر بگذار و بعدم نزول ۱۰۰۰۰ این جور بپردم قرضه می- خواهند بدهند بیاید اینجا فقر آدم باتقوی آدم اساسی بفرستید تأمین کنید این مملکت را کرد کردی قصبه باین بزرگی که همیشه رادع و مانع هزارها نقائص برای رشت و مازندران و گرگان بود این کرد کوی بیک وضعیت افتاده از فقر و بیچارگی که خدا شاهد است هر ایرانی برود آنجا متأثر میشود شما می فرمائید آذربایجان باین صورت افتاده بعدا گرگان ما بدتر شده است برای اینکه یک مأمور جزء می- رود آنقدر آنجا اشکالت تراشی می کند که حد ندارد آنجا بانک کشاورزی می خواهد آنجا باید رفت و نگاه کرد جناب آقای مشرف الله نقیسی هم فرمایش بروم بن وعده می کند که بیا برویم گرگان من بیچاره یا میشوم باقرض و قول حاج حسن مختاریان بمن قرض می دهد ماشین می گیریم میرویم آنجا بعد می بینیم آقا تشریف آورده اند تهران عجب رفتیم عجب نتیجه گرفتیم عجب بمملکت خدمت کردیم گفتم آقا باید برویم آنجا بشاهنشاه عرض کردم فرمودند راضی باید اینطور بشود شهر باید اینطور

شود برین باید اینطور بشود و ضمت اینطور بشود و کسی گوش نمی کند جناب آقای منصور آنروز هم گفت دولت اسرائیل برسمیت شناخته می شود باید بشناسید یا نباید بشناسید مصالح ملک ترا دولت ایران با استقلال فکر باید هر موقع عمل بکنند نه باو تمایل بشود ما هیچ جور حاضر بشعید نیستیم آیا این برسمیت شناخته شدن با کمیسیون امور خارجه مجلس مشورت شده است؟ من از جناب آقای رفیع سوال میکنم آقایاشما در کمیسیون خارجه مستبد باشنا آیا مشورت شده بود؟ (رفیع - نه مشورت نکردند) چرا برای چه تشنج ایجاد میکنید برای چه برادران اسلامیان را مکتد کنیم این عجله بد است باقتل و متانت ما باید ریشی بگیریم سبیل ما را ول کنند اگر باید بشناسیم چرا بشناسیم گوش کن آقای کشاورز صدر قربانت بروم من ساده صحبت میکنم من همانطور که ایشان نوشته بودند قلبه و سلبه نه نمیده بود لفت مستمرا بیچاره نمیده بود حش بود نباید بفهمد من دیگر قلبه و سلبه نمی گویم یواش یواش حرف میزنم هر چه هم بطور مصطلح عادت کرده ام ولو غلط باشد همان را عرض میکنم آقای موضوع اسلام بسبط العقیقه است مربوط ب عرب و مجرم نیست این اشتباه را آن روز هم گفت برادران عرب ما کردند این پایه ای است که ابوسفیان معاویه و خلفای اموی کردند دیگران هم دارند این را تجدید میکنند ، اینها حق نداشتند نتیجه اش هم همین است ما که دولت ایرانیم ما که با پاکستان برادریم ما که با مسلمین الجزایر و تونس برادریم ما که با مسلمین افغانستان و عربستان سعودی برادریم و لا تقولون للی علیکم السلام لست مؤمنأ انما المؤمنون اخوه ما باید در امور مربوط بسلمین با مسلمین مشورت بکنیم و جلب افکار مسلمین را بکنیم و یا آنکه مسلمین را بیدار بکنیم که آقایانهائی که دین را انحصار کردند و دین را با دنیا قاطی کردند دین با دنیا قاطی نیست اینها ما را با بصورت انداختند آنوقت هر تصمیمی بگیرد کی مخالف است تصمیم افلاقه تصمیم با درایت تصمیم موجه تصمیمی که قانون گرفته که اگر خواستید دولتی را برسمیت بشناسید باید کمیسیون امور خارجه در آن اظهار نظر کند این چه مانعی داشت چه مانعی دارد یک دفعه دولت آقای منصور واقع بشود در یک عملی که نداند چه بکند ؟ این زیباست ؟ این پسندیده است ؟ البته آنوقت است که تبلیغات هم شروع میشود اینها همین را میخواهند اما ما که این را نمیخواهیم ، شما این را میخواهید ؟ نه ما اینرا نمیخواهیم ما ملکتمان را ایران را میخواهیم ما ملکت خودمان را با دوستی یا دول دوست میخواهیم ما ملکت خودمان را با رفاه و آسایش می خواهیم ، ما ملکت خودمان را آزاد میخواهیم که هر ملتی اینجا بتواند از منافع ملکت بهره مند بشود و در زیر سایه این ملکت مره باشد ملکت مازعیم مسلمانها علی بن ابیطالب آن خونریزی را کرد و جنگ کرد برای اینکه یک خلفال از پای یک یهودیه کشیدند اسلام درس داد تا لیم اسلام یا اینکه میگوید دین من خانیات دارد دین من میبایش برخلاف تمام ادیان چهار پایه دارد علم است یعنی کتاب سنت است عمل است و اجماع

گردد ادیان دیگر نیست این دین هیچوقت گفته نمی شود برای اینکه هر وقت هر عملی در دنیا پیدا شد تازه اول دعوت محمد است همانروز که ریشه را برده است بلم امر فرموده مردم بروند علم پیدا کنند در صورتی که در ادیان دیگر تمجد است در یک چنین مملکتی بایک چنین دینی با یک چنین اخلاقی که ما داریم نسبت به همه تمکین داریم لیکن تمکین متقابل تمکین برادرانه ما باید عملی بکنیم که افلاقه باشد عملی که سایر مسلمین دنیا از مانعش پیدا نکنند و آن دیگران راهم متوجه کنند که برادران هر با ما که منحصراً مسلمان نیستند اگر بنا بشود آنها دست با انحصار بر نهند ما هم دست میزنیم بفرمایشات رسول الله نمیگویم از شماره بهای می ترسیم من میگویم نمی ترسیم از این جهت از جناب آقای منصور هم این موضوع پسندیده است که در این قسمت یک فورطیعی و یک فور اساسی و یک تعقل عملی بکنند و آن صورتی که مصالح ایران و اسلام در زیر آن صورت است این کار را یک سر و صورتی بدهند بنده از رئیس کمیسیون امور خارجه می پرسم میگوید من خبر ندارم پس کمی خبر دارد کی این کار را میکند کدام دست مرعوزی این کار را می کند؟ برای اینکه برای ما دشمن بتراشد برای اینکه مسلمانها را بهم بیندازند و همه را با هم دشمن بکنند بنده خیلی مطالب دارم راجع بوزارت داد گستری هم بعداً می آیم در بودجه صحبت میکنم چون فعلاً حال ندارم کسالت دارم و جناب آقای آشتیانی زاده هم که آقای زاده هست نزه میرزای آشتیانی مرحوم است ایشان هم باید نوبت برسد از اینجهت همین تذکرات قانع میشوم و منتظرم اگر دولت جناب آقای منصور قدمهای مهمی برداشت خدا شاهد است می آیم پشت این تریبون تشکر میکنم میروم دستشان را میبوسم و گر نه جای حرف را برای خودم باقی میگذارم (احسن) (بعد از نطق از مجلس خارج شدند)

نایب رئیس : آقای تیمورتاش
تیمورتاش : چون فرا کسیون ملی موافقت خودش را با دولت حاضر اعلام داشته است بنده هم طبعاً در صفت موافقت وارد شدم و نظر داشتم شاید مطالب بسیار مفصلی در اطراف برنامه صحبت کنم خوشبختانه حسن استقبالی که مجلس از دولت جناب آقای منصور کرد مرا بی نیاز از این فکر کرد این حسن استقبال از دوجهت بود یکی اعتمادی که بشخصه آقای منصور داشته و ایشان راهمیشه مرد مثبت کاردان و مدبری تشخیص داده ام (صحیح است) و دیگر از لحاظ این که دولت تازه ای روی کار آمده است دولتی است که تاکنون عملی انجام نداده است و بنابراین نمی شود ابرادی باو گرفت تصدیق میکنم باینکه دولت حاضر همانطور که همکار مخالف محترم فرمودند وارث ناگوار پائی است ولیکن رأسمانصر نیست و کاری انجام نداده است بنابراین تصور میکنم که بایستی دید که چه کار خواهد کرد و چه عملی انجام خواهد داد اگر هم راجع بسنت نطق بیش از نسیاست را آقایان محترم قبول نفرمودند من خیال میکنم بیشتر همین لحاظ بود اگر برای دولت گذشته دو

ساعت موقع معلوم کرد باز هم خیال می کنم برای این بود که دولت گذشته مدت مدیدی روی کار بود و باید مسئولیت اموری را که انجام داده بود و یا بیشتر انجام نداده بود برعهده بگیرد (صحیح است) منطلق حکم می کند که موافقت بعد از مخالفت صحبت بکنند در این مقام باشند که حتی المقدور جواب او را بدهند خوشبختانه دوست عزیز من آقای شوشتری مخالف نشان بیشتر جنبه اصولی و انتقاد از اجتماع داشت این انتقاد را بنده هم تصدیق می کنم وضع بد است و این راننده از پشت همین تریبون عرض کردم و باز هم تکرار میکنم که وضع بد است بدی این وضعیت بنظر بنده از دوجهت سرچشمه گرفته اول از وضعیت دیانت مثلی است معروف میگویند مرض کوه کوه می آید ولی موی روی می رود مثل اینکه ما توجه نداریم که دنیا با چه مرضی حاد و شدید مواجه بوده است مثلاً اینکه ما میخواهیم قبول کنیم که جنگ جهانی که در دنیا وجود آمده ارکان دنیا و جهان را بلرزه در آورد کشورهای بزرگ هنوز بعد از چند سال موفق نشده اند که تشخیص بدهند که فاتح کیست مغلوب کیست هنوز در دنیائی که بعد از چند سال مشکلات اقتصادی و مشکلات اجتماعی و دسته بندیهای مختلف هر روز بنحوی عرض انجام میکنند بنظر من این دنیا را نشود آرام قلمداد کرد و گفت ما مستثنی از این دنیا هستیم مخصوصاً که قرن بیستم بعدی سراسر سراسر گیتی را بهم نزدیک کرده است که هر گونه انکسار در انصی نقاط دنیا در تمام جهان منعکس میشود بنابراین ، هم فارغ حال ندارم کسالت دارم و جناب آقای آشتیانی زاده هم که آقای زاده هست نزه میرزای آشتیانی مرحوم است ایشان هم باید نوبت برسد از اینجهت همین تذکرات قانع میشوم و منتظرم اگر دولت جناب آقای منصور قدمهای مهمی برداشت خدا شاهد است می آیم پشت این تریبون تشکر میکنم میروم دستشان را میبوسم و گر نه جای حرف را برای خودم باقی میگذارم (احسن) (بعد از نطق از مجلس خارج شدند)

را جلو بگیرد که صدا بهمه برسد) بنده تصور می کردم که صدایم رساست و بهمه میرسد) (امامی به ولی بعضی تصورات هست که صورت عمل بخود نمیگردد)

این مقداری را که شرکت نفت بیاتک ملی ایران میفرشد همیشه کمور مصارف ارزی ما را از لحاظ واردات از این برداشت میکنند و این باعث شده است که صادرات ما تا اندازه عقیم بماند - چیزیکه احساس ضرورت و احتیاج باندازه کافی میشود ولی متأسفانه این مقدار گاهی زیاد و گاهی کم می شود چونکه بنا بعواصمی که شرکت نفت در ایران دارد گاهی بیشتر میفرشد گاهی کمتر من حدس میزنم اگر عطف توجهی بشود و واقعاً در مقابل واردات صرفاً صادرات بشود حتماً وضعیت اقتصادی ما بهتر خواهد شد موازنه تجارت هم بیشتر من عقیده مند ام اگر حتی واقعاً اینقدر هست نداریم اینقدر شهادت و پشتکار نداریم که برای رفع ضروریات اولیه و عوامل تجملی خودش بتواند کار بکند و صادرات را زیاد بکند حق ندارد اینقدر مخرج فراهم کند باستی و سائل صادرات را در کشور فراهم کند و آن قسمتی را که البته ذخیره ارزی ماست آنرا بیشتر بمصارف تولید و ازدیاد سرمایه بکار بینند بنظر بنده این حق و حقوقی را که عرض کردم طبیعتاً بنده را بکنند دیگری متوجه میدارد و آنهم یک نوع دموکراسی وطنی است که در این کشور بعد از شهریور بوجود آمد یک نوع حس صبیان و استتاه در تمام ما هست اول از خود بنده سر چشمه میگردد باین معنی که من خیال میکنم باید مستثنی از این جریان باشم کاری که من باید بکنم دیگران نمیتوانند انجام بدهند بنابراین اگر عملی را ولو خلاف قاعده و قانون و رویه باشم من نتوانم انجام بدهم که گزاردی میکنم حتی کم کم باب افترا باب انتقاد باب اجن مالی باب همه چیز را مفتوح میکنم و حال اینکه دموکراسی واقعی و دمکراسی طبیعی در مقابل هر حق یک وظیفه گذاشته و کسی حق ندارد از آن دم بزند مگر اینکه بوظائف حسن کطیعا و قانونان پای و اگذار شده عمل کند بنده تصدیق میکنم که انتخابات تهران بهترین نمونه بی مهری مردم نسبت باین دستکار بود خود بنده تصدیق میکنم و شاهد واضح بود از طرف دیگر هم این مد جدیدی که اختراع شده است و انتقاد را پایه ارتقاء تشخیص داده اند باینهم من مخالفم و یقین دارم اهالی محترم تهران هم نیک را از بد تشخیص میدهند و حاضر نیستند این ملاحظتو حسن استقبالی که معمولاً میشود از جاده حقیقت و صراحت خارج نشود و بنده بیک بیت قناعت میکنم - از آنکه باریکتر زمو اینجا است - نه هر که سر ترا شد قلمندری دانند (نورالدین امامی - به آقای کهید مراجعه کنید) (خنده نمایندگان)

مأموس بشوید نظر دیگری ندارند (صحیح است) بدلیل آنکه آن زمانی آنها میتوانند تسلط بر این مملکت بشوند و آن زمانی میتوانند در شما رخنه کنند که تصور بکنند و بدتر از آن خود شما تصور کرده باشید که قادر بر اصلاح امور خودتان نیستید آنوقت است که شما میروید و تسلط آنها را قبول می کنید پس بنا بر این دشمنان ایران آن کسانی هستند که پیوسته حس یأس ناامیدی و بدبینی ولجن مالی و افترا را در این مملکت ایجاد میکنند (صحیح است) آقایان بیاید یک قدری بخود بیایم به بنیم کجا هستیم و چه باید بکنیم مردمی آمده اند قبول مسولیت کرده اند آمده اند با یک ایمانی کار بکنند من نمی خواهم بگویم موافقت ابد با اینها بکنیم ولیکن اجازه بدهید که افلا نمایش بدهند که چه کاره اند تصور می میکنم حتی دشمنان منصور الملک منکر این اصل نباشند که او مرد عمل است (صحیح است) از اینکه خود جناب آقای نخست وزیر تشریف ندارند استفاده میکنم چون یکی از دوستانی که با ایشان خیلی آشنائی دارند میگفت آقای منصور الملک مثل یک تسمه ای است وقتی دست بزیند خیلی نرم است ولی هر چه بکشید پاره نمیشود بنظر بنده این بهترین توصیفی است که در وضعیت ایشان آمده است و خیال میکنم در وضع موجود یک همچو آدمی لازم است لازم است که تیاره بشود و ضمناً آن خوشنود و بنختر و روییتی که دیگران برای خود قائل شده اند قائل نیستند برنامه دولت بنظر بنده تا زکی دارد از اینجهت که آن الفاظ شمشع و درخشان که معمولاً در برنامه های دولت دیدیم در اینجا نیست و وعده وعده های بی پایان بنا نداده اند ولی اگر این برنامه دولت فقط دو عبارت داشت که درش هست یکی مبارزه با تخریب و تبلیغات مضر و دیگری که بنظر من اهمیتش از اولی اگر بیشتر نباشد کمتر نیست ایجاد حس مسئولیت در افراد دولت در کسانی که کار میکنند مشول کار هستند بنده تا کزین در دوره چهاردهم و دوره پانزده و شانزده در هیچیک از برنامه دولتها ندیدم که توجه باین نکته شده باشد که کسی که پشت یک میزی می نشیند مشول است باید قدرت حل و فصل امور را داشته باشد و اگر نداشته باشد همین وضعیت کاغذ بازی و اداره بازی است که ملاحظه می فرمائید این در برنامه دولت قید شده است و من عرض میکنم که اگر فقط این دو عبارت را برنامه دولت می داشت یعنی مبارزه باحس تخریب و ایجاد مسئولیت من باز از موافقت بودم ولیکن آقای منصور مثل این که هدف دیگری هم دارند و آن این است که واقعاً و بانتمام از تمام نیروهای این مملکت استقاره بکنند شاید بتوانند گرهی از کار بکشایند (صحیح است انشاء الله) قیانه ای که از کابینه دیده میشود مؤثر این مدعی است مکرر گفته شده است که در ایران حزب مدعی نیست بنده هم تصدیق دارم و مسلم است که حزب نیست ولیکن دستجات سیاسی وجود دارد و این دستجات سیاسی که شاید بفرخور احوال گاهی تغییر رویه

یا قیانه میدهند کار واقعی سیاسی کشور را بوجود می آورند منظور بنده جمارت بصورت محترم آقایان وزرا نیست ولی عرض میکنم مثل اینکه در کابینه حاضر تمام دستجات سیاسی مختلف سکثورزی سهم و ذی مدخل باشند و این را بنده تمیز بکابینه انقلاب ملی میکنم و امیدوارم که در برتو این اتحاد و اتفاقی که امروز مظاهر است دولت فعلی بتواند کاری انجام بدهد (انشاء الله) بیانات پربروز جناب آقای نخست وزیر از پشت همین تریبون مؤهده همین مدعا بوده معلوم شد که ایشان واقعاً می خواهند که مخالفین را از حق صحبت و بیانی که دارند ۰۰۰۰ عرض نمیکنم که جلوگیری بشود بلکه نظرشان این است که آنچه را که باید گفته بشود و قبول معروف جنگ اول به از صلح آخر باشد ولی خوب گرچه یک آخری بالاخره خواهد آمد این تردید نیست ما هم می دانیم ولی سعی میکنیم که شاید در برتر باشد آقایان من یکبار اینجا گفتم و باز هم تکرار میکنم که خطر نزدیک است ولیکن راه مبارزه با این خطر ایجاد یأس و حرمان نیست خطر نزدیک است فقط در صورتیکه ما از خواب غفلت بیدار نشویم بیاید شما نمایندگان ملت ، شما رکن چهارم مشروطیت ، شما هادیان افکار عمومی ، شما تماشاچیان صکه بصرف حضور در اینجا ثابت کردید که بسر نوشت این مملکت هلاقمند هستید و بالاخره شما دولت که مشول انجام امور هستید بیاید همه دست هم بدهیم و از نیات خیر خواهانه شخص اول این مملکت از کسی که واقعاً در عالم اخذ خود گذشتگی و فدا کاری نمونه شهادت و شجاعت است یعنی از شخص شاهنشاه و از گفتار و بیانات همیشگی ایشان سرمشق بگیریم یا هم کار کنیم و سعی بکنیم که عملی رهم دشمنان این مملکت ثابت بکنیم که ایرانی هنوز قابل زندگی است ایرانی هنوز اسمش باید در تاریخ باشد ایران از نقشه دنیا نباید معو بشود (صحیح است) عرایض بنده تمام شد مثل اینکه وقت هم تمام شد فقط دو کلمه را می خواستم تذکر بدهم هلاقمند بودم که جناب آقای نخست وزیر هم تشریف داشته باشند برای اینکه مربوط بسوزارت دارائی است که فعلاً گویا تحت نظر خودشان اداره میشود و از آقایان محترم استعفا میکنم که عرایض بنده را مختصراً بررضشان برسانند (جمعی از نمایندگان تشریف آوردند) عرض کردم دو نکته را میخواستم متذکر بشوم چونکه وزارت دارائی تحت نظر شخص جناب عالی اداره میشود استدهای بنفل توجه دارم یکی مربوط به غله است که خوشبختانه آقای شوشتری فرمودند و راجع بان در برنامه دولت گذشته گفته شده بود که اداره تثبیت غله ملفی خواهد شد شأن نزول این اداره در روز اول این نبود که مصرف نان شهرستانها را بدهد بلکه این بود که از رعایا

تبلیغ از خارج مجلس و از داخل مجلس بالاخره آقای ساطق میکنند من حتم دارم ایشان هم مثل آقای ساطق آن حوصله را ندارد نفری ایشان را هم خواهیم دید خوش استقبال بود بفرجه هستیم .

سیصد و هفتاد سال پیش از امروز در شهر «رم» یک دادگاه بزرگ مذهبی مسیحی تشکیل شد و «گالیله» دانشمند بزرگ فلورانس را بجرم ارتداد محاکمه می کردند . «گالیله» برخلاف عقیده کثیفا قائل ب حرکت زمین بدور خورشید بود و با این نظریه آبی باکی بر عقاید و افکار باطل و یوسیده کثیش های مسیحی میرفت . چون بانطاق ودلیل عقاید علمی او را نمیتوانستند رد کنند او را مرتد و کافر خواندند و فتوای قتل او را دادند . گالیله برای رهائی از مرگ مجبور شد در مقابل مجسمه های جهل و غرور زانو بزند و توبه نامه تاریخی را بدلقخواه بزرگان کلیسا امضا کند .

اینست چند جمله از توبه نامه تاریخی گالیله :
 « منکله گالیلهو گالیله هستم و عمرم بهمتاد سال »
 « رسیده است در محکمه مسیحیت بجهت اقرار و توبه بزانو درآدم و در حضور بزرگان منهد »
 « عیسی رؤسای محکمه حدود دینی مرتدین کتاب »
 « مقدس را زیارت کرده و قسم میخورم که همیشه »
 « معتقد ببزرگان کاتولیک باشم . و چون آن »
 « بزرگواران سابقاً مرا نهی کرده بودند از اظهار نظر در حرکت زمین و ترک آن مذهب باطل ، و من رساله ای در اثبات آن موضوع از قول دیگران »
 « تألیف کرده بودم اینست که برای رفع اتهام از خود و برای اینکه اگر جرمی دارم عفو کنید بآء »
 « کمال صداقت توبه میکنم و نفرت میجویم از اعتقاد »
 « باطل و سخیفی که راجع ب حرکت زمین داشتم و سوگند یاد میکنم که بعد از این مطالبی که مخالف با موازین شرعیه باشد نکویم و ننویسم »
 « و اگر کسی را بشناسم که پیرو این عقیده است »
 « هر کجا باشد بنیاندگان آقایان او را معرفی کنم »
 « و اگر خدای نخواست مخالفت نمایم مستحق عقوبات »
 « و مصائب گوناگون باشم . »

الرحیم فوالجلال والا کرام واسطه ان توب علی توبه عبد ذلیل خاضع ، خاشع ، فقیر ، بائس ، مسکین ، مستکین ، مستعیر لایمالک لفسه نتماً ولاضراً ولاحیوة ولاموتاً ولاشورا (آفرین)
 همانطور که گالیله از ترس جان خود هنگام امضای توبه نامه آهسته میگفت «زمین حرکت میکند من با صدای رسا اعلام میکنم که باید مالکیت محدود گردد (یکی از نمایندگان - توبه را نشکند) (اورنگ -) زبسه که توبه نمودم زبسه توبه شکست (میکنست آقایان مالکین معترم بن جمله کنید ، فحش بدهید موستخبید ، مرا آشوب طلب ، مرتد و زندیق بخوائید ولی بدانید که این صدائی نیست که تنها از حلقوم من خارج شود و با از میان رفتن من در صندوق سینه ام خاموش شود و بسبب (شوشتری - آقای آشتیانی زاده خدا شاهد است صلاح نیست این حرفها زده شود) اگر گوش اشخاصی که باندازه خاک کشور سوس ملک دارند در میان باغها و پارکهای فشتک و در میان اصوات دل انگیز موسیقی و تحت تأثیر کیف مشروبات اروپائی صدای ملت را نمیشود ، اطینان داشته باشند ، این صدا بقدری قوی خواهد شد که بالاخره از پرده گوش آنان خواهد گذشت و آنوقت خواهید دید که تبدیل تروت ، تبدیل مالکیت سیردن وسائل تولید بدست زارع و کارگر دیگر بصورت درخواستهای متضرعانه طبقات محروم و ستم کشیده مردم نخواهد بود بلکه آرزوهای خود را خودشان جامه عمل خواهند پوشاند .

من در برنامه دولت آقای ساطق اعتراض کردم که چرا موضوع تجدید مالکیت در برنامه دولت ایشان ذکر نشده است . و تذکر دادم که اعلیحضرت همایونی در امریکاموضوع را با صراحت هرچه تمام تر وعده فرمودند . (شوشتری - راجع بخدا صفا) برای اینکه دانسته شود من نظری بجز خیر و صلاح مملکت و اجرای منویات خیر خواهانه پادشاه نداشته ام همین بیانات اعلیحضرت را در یک مصاحبه مطبوعاتی امریکا که اداره تبلیغات آنرا چاپ و منتشر کرده است قرائت میکنم .

(شاهنشاه ضنا فرمودند برنامه ای در نظر دارند بموقع اجرا بگذارند که طبق آن مالکین بزرگ و همچنین کسانی که علاقه زیادی باملاک خود ندارند آبادیها و اراضی خود را بدولت بفروشند و دولت نیز این املاک را بقیمت تمام شده باقساط بزرگان بفروشد تا این که کشاورزان ایران بتوانند در املاک شخصی خود مشغول کشاورزی شوند) (بهادری - این آرزوی همه است آقای آشتیانی زاده) (صفحه ۲۹ از کتاب نطق های اعلیحضرت همایونی) (بیارسته - صدی نود و پنج که در مجلس هستند چیزی ندارند شا میفرمائید فتودال) (شوشتری - فتودال چیست ؟ فارسی بفرمائید) آنها بیکه ندارند از آنهاهی که دارند بگریزند (زنک ممتزیس)
نایب رئیس - آقای شوشتری تذکر میدهم بجناب عالی .
آشتیانی زاده - بیانات اعلیحضرت را مخصوصاً تکرار کردم تا کسانی که منکر این فرمایشات بودند بدانند که من چیزی جمل نمیکم .
 دولت آقای ساطق در گنجاندن این اصل

اساسی در برنامه خود نکرد و از ترس اینکه مبدا در مجلسین مالکین بزرگ بدولت او رأی اعتماد نهند تسایم آنها شد .
 مناسفانه آقای منصورالملک هم در برنامه دولت خود باین موضوع مهم توجهی نکردند و هنگامیکه از یک چنین اقدام ساده ای بیم و وحشت دارند چگونه ممکن است انتظار داشت که راجع بسایر قسمتهای برنامه ممکن است اقداماتی بکنند؟ این انتظار شخص شاه است و تمام ملت ایران باستانهای همه مدودی طرفدار این امر هستند که باین اصل معین با دادن اراضی به زارعین و اشخاصی که در زمین کار میکنند از این راه جلو کمونیزم گرفته شود .

اگر دولت و مجلس ایران معتقد باشد بدالت اجتماعی هستند باید برای اثبات حسن نیت دقانون تقسیم اراضی زراعتی را پیشنهاد و تصویب کنند و طبقه حاکمه مملکت یعنی بزرگترین زمینداران و مالکین ایران ب مردم نشان بدهند که خیال خدعه و فریب و نیرنگ را ندارند .
 آقایان معترم ، زندگی اجتماعی و اقتصادی ورزیم سیاسی هر عصر مقتضایاتی دارد . این مقتضیات عصر و محیط است که واضع قانون و پایه گذار اساس زندگی اجتماعی میباشد .

یک روز جهل و بیخبری و عقب ماندگی مردم و اقتضای عصر اجازه میداد که توانا ترین و زورگو ترین مردم نه تنها صاحب املاک و وسیع بشود بلکه ره پایارا از زن و مرد مانند گوسفند و گاو در دایره مالکیت خود اسیر کنند .

در آن ایام زمین با رهیت و گاوکار رویهم خرید و فروش میشد و اساساً شخصیت زارع بی ارزشتر از شخصیت چهارپایان بود . مالکین معترم حق داشتند شب زفاف رها یا بجای دانه هروسرا خودشان تصرف کنند ، رهیت را کند و زنجیر بگذارند شلاق بزنند ، بکشند ، قطعه قطعه کنند . (همه نمایندگان) (یکی از نمایندگان - این حرفها چه؟) (زنک رئیس) (شوشتری - المیاذ بالله) مالک و خان صاحب هستی و جان تمام کسانی بودند که روی اراضی ایشان کار میکردند و دسترنج خود را تقدیم بآب می نمودند دوران بردگی و سروز را تاریخ فراموش نکرده است . صفحات تاریخ ملو اجزایات و پستی ها و خونخواری های فتودالهای جبار است که تذکر اعمال وحشیانه آنها موی بر اندام راست میکند .

شوشتری - فتودال چه؟ فارسی بگوئید
نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده اجازه بفرمائید نیم ساعت وقتتان تمام شده است صبر کنید .
 پیشنهادی رسیده است قرائت شود (پیشنهاد آقای صفائی شرح زیر قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی ، چون بیانات آقای آشتیانی زاده در اطراف برنامه دولت خانه نیافته است پیشنهاد میکنم مدت نطق ایشان به یکساعت تمدید شود
نایب رئیس - رأی میگیرم به پیشنهاد آقای صفائی باینکه بیست و یک ساعت نطق آقای آشتیانی زاده افزوده شود آقایانی که موافقت فرما

فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد . بفرمائید آقای آشتیانی زاده
آشتیانی زاده - مبارزه شجاعانه و مبتد طبقه محروم و زحمتکش در طی قرونتمادی ، وقوع انقلابات و خون ریزیهای تاریخی ، همه برای این بوده است که سیستم مالکیت را عوض کنند و مفهوم آنرا معدومتر نمایند .

با آنکه فقه اسلامی خرید و فروش برده و پند را مجاز دانسته و چند فصل مهم از فقه اسلام را موضوع « بردگی » اشتغال کرده است مملکت امروز اگر یک مسلمان کسی را بعنوان غلام خریداری میکند شما مسلمانها ، شما آقایانی که طرفدار شرع مطهر هستید آیا او را سفیه ، دیوانه ، وحشی و خونخوار نمیخوانید؟ آیا جامعه ما او را طرد نمیکند؟ و با آنکه فقه اسلامی چنین مالکیتی را مجاز دانسته هیچکس در مملکت ایران جرأت دارد بگوید مالکیت انسان بر انسان معترم و قابل اجرا است؟ موضوع بردگی هم یک بحثی است این هم مثل مالکیت اراضی میباشد (شوشتری - قیاس مع الفارق است) ابتدا اگر چنین کسی پیدا شود باید فوراً او را بسازالمجانین برد . چرا امروز این فصل در فقه اسلامی متروک شده است؟

آیا فقه های اسلام این اصول را غلط نوشته اند یا آنکه امروز مردم قاعده « تسلط » را زیر پا گذارده اند؟ مسلماً هیچکدام . . . روزی که فقه های اسلام اصول بردگی را تدوین می کردند بردگی و غلامی رواج دنیای آن زمان بود . غلامها یکی از ارکان اقتصاد و تولید زراعتی را تشکیل میدادند . بنابراین آنروز اسلام ناچار بود قواعدی برای خرید و فروش غلام وضع کند و مالکیت بر جان رها یا و غلامها را تجویز نماید ولی امروز مفهوم مالکیت بر جان اشخاص از میان رفته است . گرچه زیر پا گذاشتن این فصل از مالکیت قاعده تسلط را هم خدشه دار کند و بر اعتبار آن لطمه وارد بسازد .

هر اندازه انسانیت بطرف کمال سوق کند و بشر رشد عقلی و اقتصادی داشته باشد مفهوم مالکیت معدومتر میشود و کم کم اساس خود را از دست میدهد بطوریکه اینک همه اموری چند نفر غافل ، خام طمع بتوانند جلوی چرخ ظلم خود را بکنند جبر تاریخی را سد نمایند . (فرامرز) - احکام اسلام تغییر نکرده (صحیح است) (زنک رئیس) (رفیع) - آقا چرا اذیت میکنی برنامه دولت چه مربوط است باین حرفها چرا اذیت میکنی؟ چرا اجازه میدهید این حرفها را بزنند ؟ (اراضی مملکت ایران مفتوح المئود است (شوشتری - اینطور نیست برخلاف قول است) ششیر اسلام فتح کرده این اراضی را مال جهات است (شوشتری - این دروغ است اقراً مزینید ، نهتم مزینید ، یعنی چه؟ ما اینجا نشستیم که دیانت را رها نمانی کنیم)

نایب رئیس - تذکر میدهم بشما موضوع اسلام مورد اعلاقه صوم است (صحیح است) بنابراین خواهش میکنم این مسائل را باهم مخلوط نکنید که در خارج سوءتفاهم بشود کفندی نکرده مجلس شورای ملی مسائلی را که برخلاف منصب

است تحمل میکنند و علاوه نطق هم که يك و كیل میکند نطق فردی است و نطق صومی نیست (صحیح است)
آشتیانی زاده در خانوار ما که ما خودمان بکی از خاومین دین مقدس بوده ایم و همه مردم مملکت ، آنهاهی که ما را می شناسند میدانند که از این و صله ها و از این حرفها بی نیستم مستعانیم .

شما اگر میخواهید خیلی ترویج اسلام کنید نه گانی حضرت علی را ترویج کنید (شوشتری - انه عمل غیر صالح) عرض کنم یکی از قسمتهای که بنده میخواستم تذکر بدهم مربوط باجری قانون است در مملکت بالاخره مالکیت تعدید شود در نظر اسلام مالکیت در مورد مستغلات نیز مانند مالکیت اراضی مزدوهی است اگر نسبت بقیمت اراضی مزدوهی و املاک بزرگ و وسیع آقایان معتقدید که قیمت را مطابق میل مالک باید پرداخت پس چرا راجع بمال الاجاره مستغلات این نظریه اجرا نمیشود و اداره مال الاجاره اهر میلی که صلاح میدانند بمالك مستقل تعدید میکنند موضوع دیگر موضوع تبعید افراد حزب توده است که بنده میخواستم در این مورد صحبت بکنم ما بنایستی روی حب و بغض یا روی ترس و غیر قانونی تلقی کردن يك دسته ای برخلاف قانون با آنها عمل بکنیم امروز با اینکه تمام آنهاهی که داد دموکراسی و آزادی میزنند و شاهنشاه مکرر فرموده اند که من بجز قانون از هیچ چیزی طرفنداری نخواهم کرد (صحیح است)

چطور پس هیئت دولت راضی میشود که در موارد مخصوصی برخلاف قانون عمل شود آقایان میدانند بعد از حادثه ۱۵ بهمن حکومت نظامی در تهران اعلام شد چند روز بعد يك جوان آسوری بجرم کشتن دانش در محکمه نظامی محاکمه و بآتشک معلوم گردید دیوانه است محکوم باعدام شد و فرمانداری نظامی اعلام کرد که از نظر تسریع در اجرای قوانین در ظرف ۴۸ ساعت قاتل را دستگیر و محاکمه و اعدام کرد . (کشاورز صدر - این دولت که ملنی کرد) این تذکرات را میخواهم بآقای هیئت بهم که مواظب جریان باشند .

آقایان معترم میدانند که پس از اعلام حکم محکومیت از طرف دادگاه ، قانون ده روز ضرب الاجل معین کرده است که اگر محکوم تقاضای رسیدگی پژوهشی یا تیز دارد بکند . در قانون تصریح شده است که هیچ حکمی قبل از انقضای مدت مزبور قابل اجرا نیست بخصوص در مسئله اعدام که چون جان يك انسان در میان است دقیق تر رعایت این نکته میشود .

فرماندار نظامی اعلام کرد که حکم محکمه بهمتم ابلاغ شد و چون تجدید نظر نخواست حکم اجرا میشود . بفرض محال محکوم بزرگی پس از اضاغه حکم تجدید نظر نخواهد و تحت تأثیر شرایطی قرار بگیرد . قانون موظف کرده است که تائیش از انقضای مدت ده روز حکم قابل اجرا نخواهد بود . زیرا احتمال دارد در آخرین ساعت روز دهم محکوم از تصمیم قبلی خود منصرف شود و تقاضای رسیدگی در مرحله بالا تری را بکند . غالباً هم پیش آمده است که این قبیل احکام اعدام مبتنی بر اشتباه بوده

چنانکه داستان محمود قاتل را در تهران همه یاد دارند که او را تاپای دار هم بردند . بقیه قاتل اصلی معلوم شد (صاحب جمع - اکبر سلاخ بود) بنده آقای هیئت ارادت دارم (بعضی از نمایندگان - همه ارادت دارند) از سالهای سال پندر من باین شخص معترم ارادت داشته و بندهم بالطبع یکی از دوستان ایشان هستم ولی ما فرار گذاشته ایم اینا که آدمی پشت این کرسی خصوصیات شخصی را کنار بگذاریم و با فرانشیزی هر چه تمامتر و هر چه دل بر آن گواهی میدهم صریحاً بگوئیم این شرطی است که بنده با خودم کرده ام من از آقای دادستان سابق گله میکنم چون دادستان کل کشور ناظر بر تمام جریانات قضائی و قانونی کشور است ، ناظر کل کشور هر جا خطائی کوچکترین شعبی ، کوچکترین عمل غیر قانونی صورت بگیرد او حق دارد اعتراض بکند یا آن کسی که موحد این عمل غیر قانونی شده او را هدایتش بکنند این وظیفه دادستان دیوان کشور است برای اینکه در این کابینه ، در این دولت که تازه تشکیل شده و ایشان هم عضو این دولت هستند بظنور جبران گذشته همایاتی بکنند که موجبات جبران گذشته فراهم و پرده پوشی بر سهول انگاری هایی که ایشان در دوره تصدی دادستانی نموده اند بنماید .

آقایان معترم میدانند که بعد از واقعه پانزدهم بهمن و تحت تأثیر شرایطی که آن روز بوجو آمده بود حزب توده غیر قانونی اعلام گردید همه زیادی از رهبران و اعضای آن حزب روزنامه نویسهای غیر حزبی را حکومت نظامی توقیف نمود و يك سلسله معاکماتی را آغاز کرد .

آقایان معترم میدانند که بعد از واقعه پانزدهم بهمن و تحت تأثیر شرایطی که آن روز بوجو آمده بود حزب توده غیر قانونی اعلام گردید همه زیادی از رهبران و اعضای آن حزب روزنامه نویسهای غیر حزبی را حکومت نظامی توقیف نمود و يك سلسله معاکماتی را آغاز کرد .

قانون حکومت نظامی مصرح است باینکه از ساعت اعلام حکومت نظامی رسیدگی بجرایم معینی کدر قانون ذکر شده است در صلاحیت معاکم نظامی می باشد . همچنین اصل مسلمی در قوانین ایران مانند تمام ممالک جهان وجود دارد که هیچ قانونی عطف بسابق نمیکند و هیچ معکله ای خارج از حدود صلاحیت خود حق رسیدگی بدعاوی را ندارد

حکومت نظامی سران حزب توده و روزنامه نویسهارا گرفت و معاکم نظامی بانها اقداماتی که آن اشخاص پیش از اعلام حکومت نظامی کرده بودند معاکه نمود و بآنکه در قوانین جزا اصل اینست که اگر دو قانون در يك مورد تعارض پیدا کردند قانونی که برفع مهم است باید مورد استناد قرار گیرد معاکم مزبور برخلاف تمام اصول مقرر در قوانین اساسی و مدنی و جزائی آن اشخاص را بسبب اقدامات پیش از اعلام حکومت نظامی بوجوب مواد قانون حکومت نظامی و غیره محکوم کردند و آقای دادستان کل که در تمام این احوال مکلف بود مانع از این تجاوزات بقانون بشود ساکت ماند .
 در شهر لار بر سر مبارزات انتخاباتی متازعاتی شد در نتیجه چند نفر کشته شدند . محکمه نظامی تشکیل شد و برخلاف صلاحیت خود نسبت بموضوع

بود عده ای را معاکه و محکوم کرد و آقای هبش داستان اعتراضی نکردند

حکم معاکه نظامی لار را یکی از شعب دیوان کشور نقض کرد و صریحاً در متن حکم تذکر داد که معاکه نظامی به چوجه شایستگی و صلاحیت رسیدگی بدعاوی قبل از اعلام حکومت نظامی را ندارد این حکم دیوان تیز که ملاحظه مباحثات مربوط صلاحیت دادگاههای نظامی میباشد درجه مسئولیت آقای دادستان کل را ثابت میکند .

چون در اطراف رأی دیوان تیز مباحثاتی در جرایم تهران آغاز شد من میخواهم چند سطر از مقاله آقای فرامرزی را در این باب بخوانم آقای فرامرزی در شماره ۲۰۸۰ روزنامه کیهان نوشته اند :

« اگر قوه قضائیه میخواهد حقوقی را که قانون اساسی با افراد داده تأمین کند و دادگاههای نظامی را برای رسیدگی بقضایای قبل از اعلام حکومت نظامی صالح نماید چرا در مورد دیگر نمیکنند ؟ »

امروز چند اشخاص در زندان بسر میبرند که بموجب حکم دادگاههای نظامی محکوم شده اند و جرائم ایشان مربوط بقبل از اعلان حکومت نظامی است ؟ (پیراسته - بعضی جرائم مستمر است) « قوه قضائیه اگر میخواهد وجود خود را در مقابل قوه مجریه بعنوان یک قوه مستقل مجسم کند باید همه جانسان بدهد و اگر میخواهد حقوقی را که قانون اساسی با افراد داده که عبارت از رسیدگی هر دعوائی در مرجع تظلمات عمومی یعنی عدلیه باشد تأمین و تثبیت کند باید در همه جا بکند . »

« این قوه قضائیه مگر نمیبیند که چه عده اشخاصی را بجرم اعمال قبل از حکومت نظامی محکوم ساخته اند و تمام محکومین بموجب آن احکام مجازات دیده اند : » « این چه کشوریست که دادگش در یک قضیه صلاحیت رسیدگی دارد و در قضیه دیگر صلاحیت ندارد ؟ (پیراسته - موارد فرق میکند) . رئیس - درس حقوقی نیست آقایان این الاتین صحبت نکنند . »

آشتیانی زاده - اگر دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی باین قبیل قضایا را ندارد باید اولین عملی که دادگاه نظامی از این قبیل کرد فوراً عدلیه وارد شود و کار را از دستوی بگیرد و بگوید شما در آن مداخله نکنید .

« من با اعتراضات آقای فرامرزی کاملاً شریک هستم . ولی آقای فرامرزی توجه نداشته اند که مسئولیت نظارت در اجرای صحیح قوانین متوجه دادستان کل است . او است که هر جا تجاوزی بحقوق مردم دید باید فوراً مداخله کند . (فرامرزی - تذکر داده ام من) »

۴- موضوع چهارم اعدام امامی قاتل هزیر است . شخصی در زمان هادی وزیر دربار مملکت را گشت . البته کار بسیار بدی کرد . ولی بدتر از کار او کار محکمه نظامی و دادستان کل بود قتل عمدی در قوانین ما مجازات اعدام دارد و مرجع رسیدگی

آن دیوان چنانی است . چه حاجت بود که محکمه نظامی بموضوع قتلی که پیش از اعلام حکومت نظامی واقع شده است رسیدگی کند و متهمی را بر خلاف صلاحیت خود محکوم با اعدام نماید ؟ در کدام نقطه از دنیا محکوم با اعدام را نصف شب بدار میکشند . در قوانین جزائی دنیا بعنوان یک اصل قبول شده است که محکومین با اعدام را سیهیده بدار میآورند یا تیر باران میکنند .

موضوع دیگر تبعید زندانیهای سیاسی از تهران بنقاط بد آب و هوای مملکت است . همانطور که در برنامه دولت ساهه تذکر دادیم بموجب مواد قانون جزا . مجازات بچند درجه تقسیم میشود . یکی از آنها حبس است و نوع دیگر مجازات تبعید میباشد .

محبوسین سیاسی که بآن کیفیت در محاکم نظامی محکوم بحبس شده بودند شهروانی تهران بنقاط خارج تبعید کرده است .

اینها مطالبی است که بنده واقفاً شرمند هستم که این عرایض را خدمت آقای وزیر دادگستری عرض بکنم برای اینکه ما با ایشان روابط نزدیک و فامیلی داریم خود شاهد تصدیق فرمودند که چند شب قبل در هیئت وزراء این موضوع را مطرح کرده اند و مخصوصاً قول دادند که این اشخاصی که هم تبعید و محبوس هستند بالاخره درجه مجازات آنها همان باشد که قانون معین کرده است نه اینکه هم حبس باشد و هم تبعید (شوشتری - کیهان آقا ؟) من نمیدانم شما که میدانید بنده خودم هم اگر توده ای باشم تری ندارم (فقیه زاده - انشاءالله کنستید) بنده از جناب آقای نخست وزیر استدعا دارم مطالبی که اینجا عرض میکنم به این مطالب توجه فرمایند و یک نوع عملی بکنند که فقط جنبه رفع تکلیف نداشته باشد و حقیقت خودشان اول مجری و اول حافظ قانون باشند چون اگر در مملکت قانون اجرا نشد و دادگستری فقط بفتح اغنیا و ثروتمندان و اشخاص متنفذ استفاده شد مملکت روی خوش نمی بیند (صحیح است) که من یک جا بگویم چون اینها مردمان بدی هستند توده ای هستند مطابق قانون محکوم بحبسشان میکنم بندهم اگر در لمان خواست تبعیدشان میکنم بندهم میکشیشان این میشود . مثل آن مرد است که گفت : اول شماره میکشم بعد حبس میکنم پدرسوخته این میشود اشخاصی که محکوم گردید بحبس باید حبس بشوند اگر محکوم به تبعید گردید باید تبعید بشوند بالاخره ما باید طوری عمل بکنیم که همان مالک دموکراسی فریبم بیا ایراد نکنند آقایان می بینید که مالک دموکراسی فریبم باین جریانات و این اقتضائاتی که در مملکت موجود است ایراد میکنند و صدای اعتراض آنها هر شب بلند است چندانکه از زنجای این تبعیدشدگان بینه مراجعه کردند و گفتند که در زند و در شیراز در هر اطراف هشت یا نه نفر ریخته اند و با این هوای گرم تابستان بهر یک هشت ریال جیره میدهند فرمایند که در کجای دنیا با محبوسین سیاسی این نوع معامله میکنند این را حقیقت بنده برخلاف انصاف و انسانیت میدانم در صدر اسلام هم از کفار جز به میگردقت و ولشان

میکردند و حال شاهم از این اشخاص یا جزیه بگیرند یا حبس بکنند این میشود که مردم را قتل هام بکنند مارتیر نکنند یک کاری بکنند که تمام اشخاص اما از راه نشوند . با مناعت عمل بکنند حب و نفس شخصی را کنار بگذارید والا این مملکت بهیچ جا نخواهد رسید یک مثالی هست میکشید ، آن کسی بهتر و بیشتر میکشد که آخر کار بخندد و بهتر بخندد و یکی هم آقا این موضوع حزب بان ایرانیم است عرض میشود که خیلی مضحک است ما یک موقعیت خاصی در این مملکت پیدا کرده ایم از نظر سیاست خارجی خوب شوروی که تکلیفش معلوم است امریکا و انگلستان هم که معلوم است و این مملکت هم مجاور هم باید باین حرفهای بوج و تو خالی که صرفاً مقصود از آنها تظاهر و خود نمائی است از ملت ایران رنجیده خاطر شوند شما پادشاه افغانستان را بهتر دعوت کردید ، پذیرائی کردید ، مهمان بود خوب هم پذیرائی آبرو مندی از ایشان بعمل آمد اعلیحضرت پادشاه خودمان که در پاکستان با آن جلال و جبروت از مظلمه پذیرائی کردند ولی ما نمیدانیم که این هیئت حا که چه جور خیال میکنند ؟ از یکطرف باین دول و باین ملل معاهده دوستی و همجواری منعقد میکنند و از طرفی حزب بان ایرانیم هم مرام بان ایرانیم را در ایران ترویج میکنند (محمدعلی مسعودی - عقیده آزاد است ، بدلت مربوط نیست) یعنی مملکت ایران یا کستان را بگیرد ضرب شمشیر ضمیمه ایران بکند افغانستان را ضمیمه ایران بکند قفقاز را ضمیمه ایران بکند (یکی از نمایندگان - همه چی چیزی نیست و ممکن است آقا هم سوار اسب سفید شده به پیشی وارد بشوید (حاج ذوقی - هیچ حس تجاویز در ایران نیست ، نه زور میگوشیم نه زور میشویم) عرض میشود که این موضوع ها باید در دقت بیشتری بشود بزرگان مملکت و اشخاصیکه در رأس هیئت حا که فرامیگیرند باین نکاتی که شاید از نظر ظاهر اهمیت نداشته باشند و هر روز ممکن است بهانه ای بدست اشخاص مقصد جو بندهم علاج فوری بکنند . راجع بسایر قسمتها هم همانطور که بنده عرض کردم از این هیئت دولت بنده معجزه ای نمی بینم . اشخاص خیلی خوب هستند ولی خوب بودن شرط خوب کار کردن نیست و شرط درک نوع حکومت برای مقتضیات روز نیست . یک آقایانی بودند در این مملکت ، سالها بایک سیستم مخصوصی کار کردند و نتیجه کارشان هم همین است که می بینیم امروز و اینها دیگر نمیتوانند بر حسب مقتضیات روز و آنچه را که امروز دنیا ايجاب میکند در دستگاه مملکت مؤثر واقع بشوند . خود آقای نخست وزیر هم خودشان یک وضعیت اریزیتال و یک وضعیت خاصی دارند و آن نیست که از رجال قبل از دوره بیست ساله و از رجال دوره ۲۰ ساله بوده اند . بعد از شهریور هم از رجال بوده اند و یک وضع خاصی دارند ما نمیتوانیم بگوئیم که ایشان از رجالی هستند که مربوط بکتب فطی هستند و از این مکتب آمده اند بیرون ، یا از رجال مربوط بکتب دوره ۲۰ ساله هستند خیر ، ایشان یک شخصیت خاصی دارند ولی من گمان میکنم که نتوانند دست بیک اصلاحات اساسی بزنند . همینطور راجع باین اراضی وسیع کشاورزی ،

گفته میشود اراضی خالصه را تقسیم کنیم . اراضی بایر زیاد است . آخر اراضی بایر را که اگر بخواهند تقسیم کنند ، اگر برعینتی که در ده مالک نشین و دارای مالک مشغول زراعت است . اگر بخواهد او را بپذیرد در زمین بایر ، آن ده خالی میماند . این که عملی نیست ، کوسه و ریش یهن که میشود کرد . اگر میخواهد بخودتان تسلیت بدهید که مانعی ندارد ولی اگر میخواهد عمل مثبتی بکند که از تبلیغات خطرناک جلوگیری شود که این راهش نیست . مردی میخواست دخترش را شوهر بدهد بداداش گفت آقا شما خیلی زود میخواهید با دختر من ازدواج بکنید گفت بلی ولی اگر من دختر شما را با همین وضع بگیرم و صاحب یک کند و یک تخت خواب بشوم مالکم وقتی که مالک شدم دیگر کم نیست نمیشود . رعینتی که ده متر زمین پیدا کرد و دولت با وسائل و سرمایه ها و کمکهای که ممکن با بدهد یا بکند او را تشویق کرد و حفظ کرد و سوشش داد با بادی زمین و علاقمنده شدن بآن زمین که این زمین مال تو است آنوقت خطر کم نیستیم . از او رفع میشود ، او دیگر ماجراجو و انقلابی نیست . در هر صورت بنده نمیدانم مثلاً آقای منصور با این صندوق خالی و این خزانه تهی مملکت چه میخواهد بکند ؟ بنده شنیدم وضعیت خزینه مملکت فوق العاده اسف انگیز است . نمیدانم امریکائیها که بنا بود پول بدهند آخرش چه شد ؟ حرف است و صحبت ؟ همه اینها حرف بود ؟ یولها چه شد ؟ وعده ها چه شد ؟ یک موضوع دیگر هم که در این آخرین لحظه این وهله آخر میخواهم بمرض آقایان برسام اینست که در دولتهای سابق رسم بود که هر وقت حرفی میزدیم میگفتند آقا بما چه ؟ ما که مسئول نیستیم ، ما کاری دستمان نیست ، ما از دستمان کاری بر نمی آید ، میخواستم بآقا عرض بکنم که مسئول در مقابل ملت و مجلس شورای ملی جنابعالی و دولت جنابعالی است ، اعلیحضرت همایونی از مسئولیت منزهدند و ایشان یک مقام فوق العاده و جلیلی را دارند که بالای این حرفهاست .

اورنگ - ما توفیق خدمت را برای ایشان از خداوند بمطلبیم .

فقیه آده - بنده اخطار نظامنامه ای دارم .

نایب رئیس - بعد از بیانات آقای نخست وزیر فرمایند آقای نخست وزیر .

نخست وزیر - بنده خوشوقتم از اینکه بالاخره هریک از آقایان مایل بودند صحبتی فرمایند کاملاً وقت پیدا کردند و نظریات و مطالب خودشان را فرمودند مجموع مطالبی که اظهار شد عبارتست از بکرشته مذاکرات و نظریاتی که در قسمت همه شاید همه شریک باشند و یک قسمتش هم توأم است با اغراقات ، یعنی بالاخره وارد یک مطالب خاصی شده اند بدون این که بقدر کفایت در آن مطالب فرصت مطالعه داشته باشند یا اینکه وقت ایشان اجازه بدهد که در آنجا کاملاً تشریح بکنند (صحیح است) بعقیده من مطالب مملکتی مهتر از این است که سطحی اظهار بشود بنیخواهم بگویم که مطالب سطحی گفته شده ولی همینطور باجمال اظهار کردن

یک مسائل عمیق و مهمی را که جنبه اجتهادی دارد این با این چند کلمه که در کرسی سخنرانی مجلس مجاز است این نمیشود (صحیح است) مگر اینکه قبلاً مطالبات کامل شده باشد و این با خلاصه بگویند ولی باید حاوی تمام نکات لازم باشد (صحیح است) اینست که بنده اگر چه یک بساداشتهائی کرده ام از فرمایشات آقایان و میتوانم اینجا جزء بجزء توضیح بدهم و جواب بدهم ؟ بعضیها را تصدیق بکنم ، میتوانم . اما از یکطرف وقت نیست ، از یکطرف صحبت در زمینه برنامه نباید داخل جزئیات باشد ما نباید داخل جزئیات بشویم ، داخل بحث بشویم اساس کار برنامه بکرشته مطالب اصولی است که اگر مجلس شورای ملی موافقت داشته باشد با آن اصول آنوقت در جزئیات و طرز عمل بنای همکاری و همفکری است ، وقت هست و میشود تمام جزئیات را بحث و مذاقه کرد (صحیح است) اینست که بنده زیاد اینجا میخواهم تصدیق بدهم با آقایان فقط بطور کلی عرض میکنم برنامه ای که دولت در نظر گرفته است یا بمجلس تقدیم کرده است اینجاییکی از آقایان فرمودند که عبارات خوب تلقین شده اما من این را نمیتوانم جداً و صریحاً عرض کنم که این عبارات نیست ، این معانی است ، من خواهش میکنم از آقایان که فرصتی پیدا بکنند یک قدری مرور بکنند باین عبارات این نتیجه یکم تجربه من است و این را از روی اعتقاد و ایمان قلبی نوشته ام (صحیح است) و من نه فقط حالا که ما مور این خدمت شده ام بلکه از ابتدای خدمتم چه در مراحل پائین و چه در مراحل بالاتر که طی کرده ام رویه ام این بوده ، این چیزی نیست که تازه اتخاذ کرده باشم ، قصد کرده باشم برای اینکه بیایم در مجلس و با آقایان یک مشت الفاظ تجویل بدهم ، اینطور نیست و من ایمان دارم که اصلاح کار باید روی این زمینه بشود . تمام این فرمایشاتی که آقایان فرمودند در رشته های مختلف البته بنده خودم تصدیق دارم نواقص زیاد داریم ، معایب زیاد داریم ولی در عین حال اغراق هم زیاد داریم یکی را ده تا میگوشیم (صحیح است) و این را هم در ضمن میخواهم عرض کنم که عادت خوبی نیست ، باید این را هم تعدیل کنیم چنانکه نواقص دیگر را باید رفع کنیم بنده عرض میکنم که این نواقص و معایب را باید به حقیقتش بر خورد و ریشه آنرا پیدا کرد و راه ملاحظه را جست ، اگر بطور کلی بگوئیم اقتصاد خرابست زندگی مردم در حسرت است فقر و بیکاری هست بطور کلی ، که این دردی را دوا نمیکند اگر هزار تا هم بیکار داریم بگوئیم یا نزرده هزار تا بالاخره بدتر کم میشود ، اصلاً وقتی که راه صحیح و حقیقت کم شد و برای منصرف افتادیم هر چه داد بز نیم دور ترهتیم از نقطه حقیقی دورتر هستیم پس حواسمان را جمع بکنیم ، درد را تشخیص بدهیم و بهیچین چه باید کرد ؟ اگر ملاحظه فرمایید که اوضاع خوب نیست و یک معایب و نواقص هست باید اینطور نتیجه گرفت که راهی که تا حالا رفتیم بک قدری منصرف بوده (صحیح است - صحیح است) برنامه عبارتست از طرز مشی و طرز عمل ، بیخود داخل تمام جزئیات

شدن ، آقایان تمام بکرشته مطالبی فرمودند راجع با امور قضائی ، جزائی ، اقتصادی ، اداری ، برنامه ای همه چیز را فرمودند اما بنده نمیتوانم تمام اینها را جواب بدهم . برای اینکه بحث مفصل دارد بنده یک کلمه می توانم عرض کنم که این نواقصی که در این زمینه ها پیدا شده بایستی دید از چیست ، اینهمه که در این مملکت حرف زده شده و روز بروز هم هر چه حرف بیشتر زده شده کار خرابتر بوده (صحیح است) چرا ؟ برای اینکه بغض بنفاده ام حالا بنده بفکر اینطور رسید که خط عبارت از این برنامه است که من عرض کردم ، بنده ادعا میکنم ، شاید یک فکر جامعتر و بهتر باشد من از طرف اعلیحضرت همایونی مأمور شدم باین خدمت و آمدم خدمت آقایان که با آقایان همکاری بکنم یعنی جلب معاضدت آقایان را بکنم (صحیح است) مجبورم آنچه را که عقیده دارم بگویم ، عقیده من اینست که خط مشی باید تغییر داده شود .

من نمیکویم سازمان اداری این مملکت درست نیست (صحیح است) اگر سازمان اداری مملکت یعنی آن ماشینی که محرک قوای مملکتی است اگر درست گشت بجای خودش بود ، هر دنده ای و هر چرخگی گردش مرتبی کرد آنوقت این فکر های خوبی که آقایان دارند به جریان این چرخ می افتد و محصول خوب میدهد و اگر این ماشین زیرش متزلزل باشد دنده هایش ناموزون باشد ، الکترو موتورها ، حالا آقای شوشتری ایراد میکنند .. یعنی آن مرکزهای فرعی ، ندیده ام ؛ یک ساترالی است ، یک مرکزی است آنوقت این بوسیله کابلها متصل میشود بیک ماشینهای کوچک که می بینید آن دستگاههای نساجی را حرکت میدهند این باید بجای خودش باشد ، زیرش محکم باشد ، میزان شده باشد آنوقت معلوم باشد که آن ماشینهای کوچک هر کدامی چه قوه ای میخواهند و مرتب با آنها بدهند ، این را میزان بکنند ، آنوقت اگر شما ایراد دارید با آن ، حریر خوب درمی آید اما اگر این ناموزون باشد ، متزلزل باشد ، قوه اش تنظیم نشده باشد این الکترو موتورها هم مرتب نکردند آنوقت شما ایراد میدید گونی درمی آید ، یک چیزی درمی آید که اصلاً برخلاف انتظار خودتان است (صحیح است) این خرج اداری مملکت این جور است ، آقا تا وقتی که صحبت اصلاح میکنم متوجه این مطلب نبودیم و نتوانستیم ، همه اش صحبت اشخاص شده اشخاص مؤثرند در کار ولی تمام کار نیستند آلت کار هستند (صحیح است) التفات کنید بمرض من ، من حالا هستم شاید چند روز دیگر بروم ، من دلم میخواهد که این مملکت حکاراش روی میزان صحیحی بیفتد ، نیت اعلیحضرت همایونی اینست که با الفاظ و باین عبارات و بنوحه و روضه خودتان را مشغول نکنید ، بس است اینقدر صحبت شخصی نشود ، عرض میکنم خدمت آقایان بنده ایمان دارم که آقایان هیچکدام مسئولیت شخصی ندارند نظر شخصی ندارند عرض بنده اینست که تا صحبت یک کاری میشود شخص کی خوب است کی یا کدامن است کی نمیدانم فلاست ، درست است همه باید خوب باشند همه باید خوب باشند ، همه باید

باید زیاد باشد تا باید کم مطالبه بکنند نه باید زیاد مطالبه بکنند این مطابقت بکنند با احتیاجات ملت اما اگر خدای نخواستہ ادارات و دستگاههای ما به اجابت مردم ترتیب اثر ندهند و جواب مردم را اهم از ملت با منفی ندهند مردم سرگردان باشند حقوق وولت که مأمور خدمت بمملکت است تضییع بشود حقوق افراد تضییع بشود این چه دستگاهی است؟ شما هم حرف بزنید؟ مای جوش بزنیم چه فایده (شوشتری-ما هم حرفان همین است) همین است در این قسمت هم دردم هستم اما گفتند که برنامه الفاظ است بنده خواستم جواب آقا را بدهم که الفاظ نیست پر از معانی است من خواهش میکنم سکه دو مرتبه بغوا کنید من میگویم که شرح حال است این معانی است این تجربه چهل و دو ساله است این سکه به کماله اش وزن شده است و آن چیزی است که ملت میخواهد اگر نگفتند آید نمیدانم یا توجه نداشته آید یا بالاخره بقدر بنده زحمت بخودشان ندادند اما باید این را گفت که چرخ اداری این مملکت باید درست بگردد و او را من دلم برای اهل حضرت همایونی میسوزد اینقدر که این شخص جوش میزند میسوزد وقت خودش را صرف میکند همه اش داد اصلاحات میزند چقدر میشود گفت؟ من با ایشان عرض کردم که چرا این حرفها عملی نمی شود پادشاه صاحب امر است و فرمان او مطاع است همه میل دارند که اطاعت بکنند چرا عملی نمیشود؟ کسی هم عاقد نیست در اینکه نکنند چرا نمیشود؟ برای اینکه چرخ اداری مملکت درست نمیکردد برای اینکه بعرف میگردد شما میخواهد عدالت بکنید ، میخواهد اصلاح معاش مردم را بکنید ، میخواهد عمران در مملکت بکنید ، میخواهد تولید زیاد شود ، سطح زندگی مردم بالا برود ، آقای آشتیانی زاده فرمودند که تمام اهالی دارای ملک باشند صحیح هم هست ما باید برویم رو باین منظور ولی از راهش مادستگاه می خولیم ، تأسیسات میخواهیم (صحیح است) بالاخره بعرف که نیست ، بسا اوقات که یک حرفهای خیلی عالی و یک حرفهای خیلی خیر خواهانهای می بینید که چون مبانی عملی حاضر نیست بعکس نتیجه میدهد همان زارع و دهقانی که دلمان برایش میسوزد یک تصمیم بیوردی اگر بگیریم ، بایک کاری که زمینهایش مهیا نیست اگر دست بزنیم کار بدتر میشود بدبخت تر می شود (صحیح است) شده است در این مملکت و دیده ایم بنا بر این عقیده بنده اینست که برویم روی مثبتی را بگیریم ، برویم روی اساس همکاری بکنیم ، همفکری بکنیم ، دلسوزی بکنیم برای مصالح عالی مملکت و بالاخره یک دستگاهی درست بکنیم بنده قول میدهم اگر فرض بفرمائید مقرر بشود که این بر بخورد به معاش مستخدمین ، یا عده آنها کم بشود این نگرانیها را نباید داشت بعضی دو ائمران زانداست باید منحل کرد ، بعضی را لازم داریم که نداریم ، آنها را باید ایجاد کرد برای جواب دادن با احتیاجات مملکت تشکیلاتی لازم داریم ، اما تشکیلات ولایتان خیلی ناقص است (صحیح است) مملکت که فقط تهران نیست (صحیح است) باید بدرد اینجا برسد ، یک ثبات میخواهند باید از تهران برود ، یک فراموش میخواهند باید از تهران برود ، کوزه آب خوردن می خواهند باید از تهران برود ، یک قدری افراق می گویم ، درد

باید زیاد باشد تا باید کم مطالبه بکنند نه باید زیاد مطالبه بکنند این مطابقت بکنند با احتیاجات ملت اما اگر خدای نخواستہ ادارات و دستگاههای ما به اجابت مردم ترتیب اثر ندهند و جواب مردم را اهم از ملت با منفی ندهند مردم سرگردان باشند حقوق وولت که مأمور خدمت بمملکت است تضییع بشود حقوق افراد تضییع بشود این چه دستگاهی است؟ شما هم حرف بزنید؟ مای جوش بزنیم چه فایده (شوشتری-ما هم حرفان همین است) همین است در این قسمت هم دردم هستم اما گفتند که برنامه الفاظ است بنده خواستم جواب آقا را بدهم که الفاظ نیست پر از معانی است من خواهش میکنم سکه دو مرتبه بغوا کنید من میگویم که شرح حال است این معانی است این تجربه چهل و دو ساله است این سکه به کماله اش وزن شده است و آن چیزی است که ملت میخواهد اگر نگفتند آید نمیدانم یا توجه نداشته آید یا بالاخره بقدر بنده زحمت بخودشان ندادند اما باید این را گفت که چرخ اداری این مملکت باید درست بگردد و او را من دلم برای اهل حضرت همایونی میسوزد اینقدر که این شخص جوش میزند میسوزد وقت خودش را صرف میکند همه اش داد اصلاحات میزند چقدر میشود گفت؟ من با ایشان عرض کردم که چرا این حرفها عملی نمی شود پادشاه صاحب امر است و فرمان او مطاع است همه میل دارند که اطاعت بکنند چرا عملی نمیشود؟ کسی هم عاقد نیست در اینکه نکنند چرا نمیشود؟ برای اینکه چرخ اداری مملکت درست نمیکردد برای اینکه بعرف میگردد شما میخواهد عدالت بکنید ، میخواهد اصلاح معاش مردم را بکنید ، میخواهد عمران در مملکت بکنید ، میخواهد تولید زیاد شود ، سطح زندگی مردم بالا برود ، آقای آشتیانی زاده فرمودند که تمام اهالی دارای ملک باشند صحیح هم هست ما باید برویم رو باین منظور ولی از راهش مادستگاه می خولیم ، تأسیسات میخواهیم (صحیح است) بالاخره بعرف که نیست ، بسا اوقات که یک حرفهای خیلی عالی و یک حرفهای خیلی خیر خواهانهای می بینید که چون مبانی عملی حاضر نیست بعکس نتیجه میدهد همان زارع و دهقانی که دلمان برایش میسوزد یک تصمیم بیوردی اگر بگیریم ، بایک کاری که زمینهایش مهیا نیست اگر دست بزنیم کار بدتر میشود بدبخت تر می شود (صحیح است) شده است در این مملکت و دیده ایم بنا بر این عقیده بنده اینست که برویم روی مثبتی را بگیریم ، برویم روی اساس همکاری بکنیم ، همفکری بکنیم ، دلسوزی بکنیم برای مصالح عالی مملکت و بالاخره یک دستگاهی درست بکنیم بنده قول میدهم اگر فرض بفرمائید مقرر بشود که این بر بخورد به معاش مستخدمین ، یا عده آنها کم بشود این نگرانیها را نباید داشت بعضی دو ائمران زانداست باید منحل کرد ، بعضی را لازم داریم که نداریم ، آنها را باید ایجاد کرد برای جواب دادن با احتیاجات مملکت تشکیلاتی لازم داریم ، اما تشکیلات ولایتان خیلی ناقص است (صحیح است) مملکت که فقط تهران نیست (صحیح است) باید بدرد اینجا برسد ، یک ثبات میخواهند باید از تهران برود ، کوزه آب خوردن می خواهند باید از تهران برود ، یک قدری افراق می گویم ، درد

مملکت اینهاست ما باید یک تشکیلات بقاعده مناسب برای احتیاجات معلی بدهیم ، ما می خواهیم از تهران در تمام جزئیات زندگی مردم مداخله بکنیم می خواهیم گل یک کوچه ای را با یک بکنند در یک شهری می - گویند اداره شهرداریهای وزارت کشور باید تصویب بکنند ، این مسخره است نباید اینطور باشد باید ما یک تشکیلات دقیق و صحیح برای احتیاجات مردم بگذاریم در استان ها و در شهرستانها بقدری که بتوانند اداره بکنند واسباب رفاهشان باشد انجمنهایی داشته باشیم استانداران و فرمانداران لایقی هم داشته باشیم (شوشتری- یعنی ایجاد اختلاف نکنند) نه آقا اظهار بدبینی نکنید بنده میگویم استانداران و فرمانداران یعنی یک شخصای که واجد صلاحیت اینکار باشند اینها را بکاریم در رأس تشکیلات این استانها و شهرستانها که مراقبت بکنند که مردم راحت باشند و کارهایشان سهل و سریع بگذرد هر چیز ناچیزی محتاج بر آنچه بهزار مقامات نباشند بالاخره در دولت مرکزی وزیر فرصت داشته باشد از جزئیات در بیاید دولت ایران بدبختانه اصلا فرصت ندارد بکارهای اساسی برسد گرفتار جزئیات است کاذبهایی باید بخواند حرفهایی باید گوش بدهد که ابداً کار خودش نیست اینها باید دستگاههایی باشد که اصلا بعضی هایش درمرکز نباشد و اگر در مرکز هست در دوائر مخصوص خودش باید طی شود مطابق یک مبنائی (صحیح است) نه هر که هر که باشد آنرا هم من عقیده ندارم باید مقررات و موازینی در کار باشد آنوقت ما میتوانیم بگویم امیدواریم بکار کردن حالا بعضی از آقایان شاید بگویند که از ناصیه این آقایان نمی بینم که کاری انجام بدهند اول کارش را در نظر بگیریم میزان کار را در نظر بگیریم میزان احتیاجات را در نظر بگیریم آنوقت شخص می آید شخص باید متناسب باشد و جواب آن احتیاج را بدهد اگر توانست نگاهش میدارد اگر نتوانست مرخصی شود این دعوا ندارد بنظر من بایستی که فکر را بلندتر کرد باید اتفاق را دو تردید از این جزئیات خودتان را خلاص بکنید صحبت شخصی کمتر شود برویم روی اساس (صحیح است) برویم روی اساس و خواهید دید که میتوانیم هم طرزش را بلدیم هم قوه اش را الحمد لله داریم پادشاه محبوبی داریم که حامی ماست (صحیح است) اول قائم اصلاح است کجاست که بیشتر از ایشان فریاد اصلاح بزند خوب دور ایشان جمع بشویم برویم روی اساسی ایشان را هم گنج نکنیم ، مضطر نکنیم ، من بسهم خود اینکار را میکنم ، من بسهم خود آنچه را که تشخیص دادم که درد این مملکت است و آن عبارتست از سازمانش ، این را من نشان دادم ، این حرف را کوچک نگیرید ، این حرف را الان هم اگر توجهی ندارید اقلاً تقاضا میکنم فکر بفرمائید ما باید روی مبنائی کار بکنیم بعقیده بنده وقتی که اینکار را کردید تشکیلات و اصطلاح سازمانهایش را درست کردیم ، قوانین و مقررات خودمان را سهل و ساده کردیم - میتوانیم برویم هر کار بیچ اندر بیچی را درست بکنیم (صحیح است) یکی از آمال من اینست که باید کارها سهل و ساده بشود ، باید قوانین را تغییر بدهیم من با آقای وزیر دادگستری گفتم ، از حالا باید مشغول باشیم که قوانینمان باین فکر منطبق شود

قوانینمان را تغییر می دهیم قوانینمان باید مطابق احتیاجات باشد (صحیح است) این صحیح نیست ، این صحیح نیست که ما توتی اطلاق بشویم ، چشمه را روی هم بگذاریم و ۷۰۰ ماده قانون بنویسیم (شوشتری - و متناقض) این صحیح نیست ، قانون باید مشکلی بآمار و متناسب با احتیاجات باشد تا مفید بشود ، این آئین نامهها ، خروارها آئین نامه است توی این ادارات و تمام بی خود ، صدی هشتاد آنها بیخود است ما باید فارغ بشویم از اینها ، باید آنها را باره کنیم دور بزنیم ، این آئین نامهها چه فایده دارد ؟ گروه ها مأمورین هم برای اجرای اینها هستند ، مردم از اینها خسته هستند از اینها نگرانی دارند باید مردم را خلاص کرد ، مردم که بدبخت خلق نشده اند ، مردم یک دردی دارند ، دردشان چیست ؟ بعقیده من درد مردم سوء اداره است باید مردم خود اداره شوند آنوقت مردم کمک می شوند برای اصلاحات خودشان شرکت می کنند ، کار دولت و مقامات مرکزی دولتی سهل میشود ، در باب اقتصادیات و این موضوع زارعین که آقای آشتیانی زاده اظهار کردند ، خوب این دو موضوع می شود چند کلمه درباره اش صحبت کرد ، در برنامه ماهست ترویج خرده مالکین ، منظور ایشان که میگویند چه چیز است همین فکر نیست که میگویند دهقانی هزاره ای مالک زمین بشود ؟ همین است ، اختلاف نظری نیست منتهی ما مطابق اصول و برنامه ای و مطابق اصول اداری باید یک وسایل و یک زمینهای فراهم بکنیم که مردم باین منظور برسند بعرف که درست نمیشود ، آقا زمین بدهید یکی که لغت برود آنجا بشینند ، اگر آبادی بود خراب نمیشود ، نمیشود؟ پس مانقض فرض که نباید بکنیم ، نقض فرض که منطقی نیست ، ما باید بگوئیم چنانکه گفته ایم من در برنامه ۷ ساله هم در نظر داشتم همین عمل را می کردیم ، آقا برویم روی چی ؟ روی این که بنیة این زارع و دهقان را قوی بکنیم (صحیح است) تقویت بنیة بکنیم آنچه چه جور ؟ آنچه از دو طریق ، از یک طرف اقتصاد عمومی را اصلاح بکنیم برای اینکه خرج زندگی این ارزان بشود از طرف دیگر یک تأسیساتی بکنیم یک وسایلی فراهم بیاوریم برای اینکه نتیجه زحمت این زارع بیشتر بشود بنده بیخشد فرصت نکردم این یادداشتها را بخوانم ، همه تقاضا کردند که کمتر حرف بزنم (خنده نمایندگان) معلوم میشود که حرفهای من خیلی ، و تر است (شوشتری هر چقدر بیشتر بفرمائید بهتر است برای اینکه اتخاذ سند میشود) بسیار خوب ، حالا بنده در باب زارع میگویم ولی مختصر میگویم ، اولاً این خرج زندگی امروز گرانست (صحیح است) ثانیاً بآن اندازه که زحمت میکشد آقای شوشتری بیخشد را ماند ما نش کم است (خنده نمایندگان) یعنی حاصل زحمتش متناسب با آن زندگی نیست (شوشتری - الحمد لله فارسی هم دارد) خوب ما یک رشته کار های اقتصادی باید بکنیم اینهم زمینه خیلی وسیعی دارد ، آقای شوشتری بایستی که صادران و واردات مان ، تولیدمان ، عملیات عمرانیمان همه دست بدست هم بدهند ، یک سکه بگویم زندگی باینی بیاید ، اینکه درست نیست ، وقتی که

شما میگوئید اقتصاد ، این بیست رشته است ، وقتی که میگوئید کشاورزی را اصلاح کنید پنجاه رشته کار باید بکنند میگوئید تراکتور را بیندازید روی زمین راه میروید و کار درست میشود اینطور نیست چهل پنجاه رشته کار باید بشود تا کشاورزی درست بشود پس این زارع از یک طرف خرج زندگیش گرانست از یک طرف ماحصل زحمتش کم است ، خرج زندگی از راه اصلاح اقتصادیات و این رشته هایی که عرض کردم باید ارزان شود ، ماحصل کارش چطور ؟ من همه اش را را باقشای شوشتری عرض کردم ، خوب آقای آشتیانی زاده ماحصل زندگی را چه جور بالا ببریم؟ باید تأسیسات بکنیم ، آبیاری ، دفع آفات ، دامداری دفع آفات دام ، کود ، استعمال ماشین ، بهداشت ، فرهنگ ، اینها همه باید با هم باشند تا اینکه آن زحمتی که یک زارع میکشد اولاً جان داشته باشد ، انرژی داشته باشد یعنی قوه داشته باشد (قبه زاره) - یک چیز را فراموش فرمودید ، کمک بانک کشاورزی هم باید باشد) اینها جزئی است شرکت های تعاونی و تأسیسات دیگر هم هست (شوشتری- دفع سرمایه مورین هم هست) البته وقتی که آن زارع بیچاره در یک زمین کار کرد که فرنها این زمین را درش زراعت کرده اند ، این زمین پیر شده است ، بداندین لراضی ایران اغلب از قوت افتاده ، چرا ؟ بجهت اینکه هر از آن گرفته و کود نداشته اند آخر باید کود بدهند باین زمین ، ماشین و آبش هم مرتب باشد آنوقت این زارع که از اول سال تا آخر سال زحمت میکشد و برحمت پنج شش خروار آلی ده خروار غله عایدش میشود که نان شب را برحمت میخورد این میشود ده برابر این و بنه اش بالا میروید درست است ، آنوقت شنبه های بانک کشاورزی دم دستش است ، شرکت های تعاونی دم دستش است ، تأسیساتی که ما محتاج این را ارزان می فروشند و محصولش را مناسب میخورد ، عادلانه میخورد ، اینها دست بهم میدهند ، این زارع دارای ملک میشود ، یک چیز دیگری هم بگویم و آن اینست که اهالی مملکت متناسب بضاعت و استطاعت و عایداتشان باید مالیات بدهند (صحیح است) اگر یک کسی مالک خیلی زیاد و گراف داشت مالیات تصاعدی بدهد آقا (صحیح است) بدهد ، آنوقت بالاخره قانع میشوند باینکه بقدر لازم نگهدارند ، آقایی که بتوانند آباد کنند نگهدارند مگر انسان بیشتر از احتیاجات یک نفر میخواهد ، یک انسان چه لازم دارد ؟ این هوی و وهوسها چیست؟ باید هر کس بقدری که احتیاج دارد و لازم دارد ذخیره کند ، یک نفر انسان میتواند بقدر پنج نفر بخورد ؟ نه پس میخواهد چه بکند ؟ بالاخره باید یک اصول عدالت اجتماعی برقرار بشود ، آنوقت آقای آشتیانی زاده خواهد دید اینقدر هم جوش لازم نیست البته وقتی که کار افتاد و وی یک بنای صحیح دعوا هم لازم ندارد بنده می توانستم در جزئیات مطالبی که آقایان فرمودند صحبت بکنم چون یادداشت هایی که رسیده مخصوصاً راجع به برنامه هفت ساله این برنامه هفت ساله را تقویت کنید این برنامه هفت ساله یک چیز تازه ای است این چیزی است که سابقه عمل در این مملکت نداشته توی

ذهنشان ظهور می آید میگویند آقایان صد میلیون تومان پول گرفته اند پلی صد میلیون صد میلیون با صد میلیون گرفت حسابش را نگاه کنید اما متأسفانه وقتی صورت حسابش را می بینند باز آنرا نمی خواهند وی گویند پول کو؟ این اثر تبلیغاتی است و اینجا هم یک ماده برنامه است که باید این حس بدبینی و این حس یأس را از خودمان دور کنیم و این حس یک مقداری با ایجاد طرز عمل صحیح و اقدامات اصلاحی رفع میشود و یک مقداری هم این گرفتار گوییها و این نوحه خوانی ها و این هارا همه مان باید با آن مبارزه کنیم تا یک کسی گریه میکند باید گفت چیست دردت را بگو ، شکایت چیست؟ می گوید اینطور کردند آنطور کردند ممکن است بعضی هایش درست باشد دوتایش صحیح باشد هشت تایش هم افراق است اینها را وقتی که با هم دیگر توأم کردیم همه را در نظر گرفتیم انشاء الله بخواست خدا و در ظل توجهات اهل حضرت همایونی و نجات اصلاح طلبانه ایشان و سعی و مجاهدت و همکاری همه آقایان و خدمت گذاری ما همه چیز درست میشود (انشاء الله انشاء الله) (نمایندگان رای ، رای) **نایب رئیس** - پیشاهاد در باب کفایت مذاکرات رسیده است قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد می نمایم بعد از ختم مذاکرات آقایان مخالفین بکفایت مذاکرات رای گرفته شود **ملک مدنی** - در همین زمینه آقای نبوی ، آقای ارباب ، آقای حبیب پناهی و دکتر سید امامی و آقای اسلامی پیشنهادهایی دادند **نایب رئیس** - آقای ملک مدنی **ملک مدنی** - با توضیحاتی که بطور کافی جناب آقای نخست وزیر دادند بنده خیال میکنم که همه آقایان معتقد شده اند که دولت جدید که بریاست آقای منصور الملک تشکیل شده است یک دولتی است که قصد دارد از مرحله حرف خارج شود و بر مرحله عمل وارد بشود (صحیح است) همه ما هم خرابیها و آشفتگی کشور را می دانیم و طبقات مستمند و بی نوا را هم می دانیم در زحمت هستند ولی دوی این آشفتگی و بهوردی اوضاع کشور این است که یک دولت توانا و شایسته را مجلس شورای ملی تقویت بکند و هر چه زود تر بر نامه دولت را تصویب بکند و منتظر بشود که او در مقام کار و عمل بیاید (صحیح است) بنده خیال می کنم الان تکلیف مجلس شورای ملی و آقایان نمایندگان که همه به بهوردی اوضاع علاقمند هستند این است که ما بر نامه دولت را تصویب بکنیم و رأی اعتماد بدهیم و دولت را مشغول کار بکنیم و منتظر نتیجه اعمال و رفتار دولت با همیم (صحیح است) و غیر از این امروز ملاحظه ای نداریم زیرا امروز باشتفتگی و خرابی اوضاع کاملاً واقف هستیم و یقین داریم که ییازی خدای متعال دولت جناب آقای منصور هم توفیق حاصل می کند (انشاء الله) زیرا بنده احساس می کنم که تقریباً اکثریت نزدیک با اتفاق مجلس

شورای ملی احساس کرده است که کشور احتیاج دارد که یک دولت قوی روی کار باشد و دولت را پشتیبانی کنند و افکار عمومی متوجه باین نکته است که این دولت یک دولت توانمندی است و بنده این جمله را اینجا لازم میدانم عرض کنم که آقای منصور الملک در عمل نشان دادند در مواقعی هم که وسیله عمل بر ایشان فراهم نبوده است با پشتکار و نیروی هز می که دارند توفیقاتی بدست آورده اند فراموش نباید بکنیم موقعی که کشور ما آشتیگانی داشت ایشان استاندار خراسان شدند و موقعی بود که کوچکترین وسیله هم آنجا موجود نبود آقایان نمایندگان خراسان همه حاضر هستند آنجا هم بدتر از آذربایجان بود همان تحریکات در آن استان هم بوجود آمده تدبیر و نیروی ایشان آن آشتیگی را خاموش کردند نگذاشت نظایر قضایای آذربایجان بوجود بیاید و بعقیده بنده این بزرگترین سند موفقیت آینه این دولت است که اینجا با همکاری سایر آقایان وزرائی که همه در جای خودشان بعقیده بنده شایسته هستند انشاءالله توفیقی حاصل بشود و بنده یک جمله می خواستم عرض بکنم که عقیده خودم بود و این است که ضمن همه آقایان مطالبی که فرمودند گرچه بمدالت اجتماعی هم توجه فرمودند و معنای این عرض بنده را دارد بعقیده بنده یک قسمت عدم موفقیت های دولت های گذشته عدم مراعات قوانین و مراعات نکردن آزادی بود امیدوارم که بیاری خداوند متعال چون در سال نو هستیم و یک دولت نوهم آمده است یک قدم های نوی برداشته شود و دولت جناب آقای منصور قوانین را اجرا خواهند کرد و با آزادی احترام خواهند گذاشت.

نایب رئیس - آقای دهقان

دهقان - بنده وقتی که آقای ملک مدنی پیشنهادشان را دادند همانجا ثبت اسم کردم که حق کسی تضییع نشود و مقصودم هم از شرفیابی اینجا اظهار تاسف از فرمایشات آقای آشتیانی زاده نسبت بمجلس شورای ملی است. آقای آشتیانی زاده با این اظهارات خلاف حقیقت خودشان مجلس را تضعیف می کنند در حالیکه مجلس شورای ملی بتمام فرمایشات ایشان که بعضی هایش هم خلاف حقیقت بود با کمال سکرت گوش داد که بگوید من آزادی را مراعات می کنم و مانع صحبت هیچکس هم نیستم. آقای آشتیانی زاده باید بدانند که مجلس شورای ملی مخالف آزادی که نیست مدافع آزادی هم هست (امامی خوئی - مظهر آزادی هم هست) و میخواستم از ایشان استدعا بکنم که این صحبت های غلطی که

موجب سوء تفاهم می شود موجب تضعیف مجلس در خارج میشود نکنند و یک کلمه هم در خاتمه عرض میکنم که ایشان در آن دفعه گفتند که اعلیحضرت همایونی فرمودند القاء مالکیت در صورتیکه امروز خودشان فرمودند تجدید مالکیت و وقتی فرمایشات اعلیحضرت همایونی را خواندید معلوم شد عرضی که آن روز کردم درست بوده است (صحیح است) و مخالفت خودم را پس بکنم.

نایب رئیس - رأی میکنیم بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت قیام کنند

(اکثر برخاستند) تصویب شد رأی اعتمادی -
گیریم بدولت آقایانی که موافقت بایست و رفته سفید بدهند و مخالفین ورقه کبود و مطابق آئین نامه جدید آقایان باید نقیاً یا اثباتاً اظهار نظر کنند و متنوع معنی ندارد.

(اخذ آراء بعمل آمد)

اسامی رأی دهندگان - آقایان:

* پالیزی - زنک - صدی - اردلان - دکتر مجتهدی مجتهدی - مکرم رفیع - کشاورز صدر - بهادری - بوداغبان - نیور تاش - غلامرضا فولادوند - دکتر طباطبائی - دکتر مصباح زاده - اورنگ - شهاب خسروانی - محمدعلی مسعودی - دولتشاهی - اکبر - ابوالقاسم امینی - امامی اهری گنجی - ناصر ذوالفقاری - دکتر امامی - غضنفری - حمیدیه - ملک مدنی - گودرزی - افشار - دکتر جلالی - اسلامی - ابتهج - سلطان العلماء - پیراسته - نبوی - گنابادی - مهدی ازباب - افشار - رضوی - عماد تربتی - حاذقی - دکتر نبوی - بزرگنیا - کهید - فولادوند - ناظرزاده - طاهری - فریسی - مهدوی - اسکندری - ثقه الاسلامی - موسوی - عباسی - آصف - فقیه - زاده فرامرزی - صاحب جمع - قبادیان - صفائی - دکتر کاسمی - ظفری - تولیت - گرگانی - عرب شیبانی - دکتر علوی - امیری - قراگوزلو - سالار بهزادی - دولت آبادی - دکتر طاهری - دکتر کیان - مغیر فرهمند - موقر - عامری امامی خوئی - شکرانی - علی محمد دهقان - هراتی - صدرزاده - اقبال - احمد دهقان - دکتر معظی

نایب رئیس - موقعی که بنده اعلام رأی کردم عده حاضر ۸۵ نفر بوده ۸۵ رأی داده شده است بنابراین باتفاق آراء و رأی عماد بدولت داده شد. آقای نخست وزیر

نخست وزیر - بنده از صمیم قلب از حسن توجه آقایان و حسن ظنی که از فرمودند نسبت بخدمت - گوازی بنده تشکر میکنم و این جهت اتفاق که آقایان از فرمودند برای من فوق العاده گرانها و ذیقیمت است و همیشه قدر دان خواهم بود در همین حال باید عرض کنم که وظیفه بنده راهم خیلی سنگین تر بکنم (صحیح است) البته قلباً مایل بخدمتگزاری هستم و می توانم عرض بکنم یک دقیقه ای از دقایق زندگایم را کسر نمی گذارم در انجام خدمت آتقدری که می توانم و اینرا اطمینان میدهم و ضمناً خاطر آقایان را هم متوجه میدارم بستگینی بار مسئولیت که به دوش بنده است مدغم خصوصاً با این ابراز اعتماد متفقی که فرموده اند در نظر بگیرند که باید با بنده و برای انجام خدماتی که بعهده گرفته ام خیلی همراهی کرد و خیلی انتظار دارم از آقایان در هر قسمت از قسمت های امور از همکاری و همکاری و تشریک مساعی این هم تمنای بنده است از آقایان در ضمن تشکری که عرض میکنم. البته امیدوار هستم با توجهات خاص اعلیحضرت همایونی که حقیقتاً از صمیم قلب مایل هستم بخدمتگزاری نسبت بایشان و اجرای نیات اصلاح طلبانه ایشان و با این افکار خیر خواهانه مجلس شورای ملی و همینطور امیدوارم مجلس سنا مجلسین ما البته هر دو طرفدار اصلاح و اقدام هستند برای اینکه مملکت احتیاج فوق العاده مبرم و سریع دارد که حتی یکساعت و حتی یک دقیقه را ما نباید تلف بکنیم و باید صرف کارهای مفید بکنیم (انشاءالله) طوری باشد که در پیشگاه ملت هم ما با پیشانی باز بتوانیم خود نمائی بکنیم یعنی ابراز وجود بکنیم و خدماتی انجام بدهیم که بصلاح و خیر جامعه و ملت محبوبان باشد (صحیح است) (احسن)

۴- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

نایب رئیس - همانطوری که بنده در حضور اعلیحضرت همایونی عرض کردم مجلس تصمیم قاطع دارد که متعذراً کار بکند (صحیح است) و امروز هم این قسمت عملیاً ثابت شد و امیدوارم که دولت با اعمال اصلاح طلبانه خود این اتحاد و اتفاق ما را نگاه بدارند بنابراین با انتظار باعمال دولت جلسه را ختم می کنیم. جلسه آتیه برای روز یکشنبه ساعت ۹ و چون یکشنبه ای از آقایان هم مطالب فوری داشتند و در جلسه امروز بعضی نرسانند این است که روز یکشنبه نوبت آقایان محفوظ خواهد ماند.

(مجلس یک ساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد.)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - **دکتر معظی**